

# گزارش فعالیت نشریه سنگر

امیرفیض - حقوقدان

از فعالیتهای نشریه سنگر گزارشی برای تاریخ مبارزه ایرانیان برون مرزی تقدیم است.

من امیرفیض متولد ۱۳۰۴ درست روزی که شاهنشاه ایران راترک کردند از لندن که برای گذراندن تعطیلات و شرکت در یک برنامه اسب سواری ۱۰ روزه به انگلیس رفته بودم به ایران بازگشتم کارمندان دفتر وکالت و کارآموز وکالتی و همکاران نزدیکم مسائلی را بیان کردند که حضورم را در ایران مصلحت نمیساخت.

پس از انجام اموری لازم و تنظیم لوایحی که محاکمات آنها نزدیک بود و سفارش به منشی و کارآموز به لندن رفتم به این امید که پس از چند روزی به ایران برگردم.

مفصل جریان و مصادره و غارت دفتر وکالت و سیلی زدن مامورین کمیته به کارآموز و منشی دفتر فصلی است که در کتاب «خاطرات و ماجراهای وکیل دربار» نوشته شده که شاید روزی خواندنی باشد.

یکماه پس از شورش ۵۷ و خبرهایی که از تهران بوسیله کارمندان دفترم و بستگان و همکارانم دریافت داشتم دانستم که قضیه مهم تراز آن است که تصور میشد شروع به نوشتن و ابراز مخالفت با شورش و شورشیان کردم و نوشته هائی که ابتدا بادت و سپس بایک ماشین تحریر کیفی بسیار کهنه که یک ایرانی داشت و به امانت گرفتم تهیه و در تظاهرات هاید پارک بخش میگردم تا ماشین تحریر کوچکی که سفارش داده بودم از ایران رسید و فعالیت من منظم و آبرومندانه شد.

اولین شماره سنگر در مهرماه سال ۱۳۵۸ منتشر گردید ولی قبل از آن و همچنین در سال های نخست انتشار سنگر اعلامیه هائی به اسامی استتاری از جمله جبهه میهن پرسان ایران - امید - جبهه فنا - یک ایرانی و دکتر میرمیران در هاید پارک لندن پخش میشد که میتوان از مهمترین آنها بنام «انقلاب ایران را بشناسید» یاد کرد که در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ منتشر گردید و اولین تحقیق درباره ماهیت شورش ۵۷ بود که در سطح وسیعی در ایران و خارج توزیع (این لایحه مفصل بنام جبهه میهن پرستان ایران تنظیم گردید) و دیگری «ایران در استعمار فلسطین» بود که آنها بسیار مورد توجه قرار گرفت.

حدود ۱۰ شماره سنگر کمتر از ۱۲ صفحه و بقیه در ۱۲ صفحه و گاهی تا ۲۰ صفحه هفته ای یکبار تنظیم و منتشر میشد و چون کیفیت انتشار سنگر و تامین هزینه و پخش رایگان و مشکلات مربوطه به آن در سنگر شماره ۳۳۲ بتحریر رفته ذکر مجدد آن اضافه کاری است و بهتر است که نسخه ای از همان سنگر پیوست این گزارش گردد.

نشریه سنگر اولین نشریه فارسی در اروپا بود که بعد از آن نشریه ایران آزاد منتشر گردید، سنگر مجموعاً ۸۲۴ شماره با نزدیک به ۲۵۰۰ مقاله سیاسی و اسلامی تا ۱۵ آذرماه سال ۱۳۸۶ انتشار یافت با این توضیح.

نشریه سنگر تا شماره ۱۰۰ در لندن منتشر میشد و سپس به کانادا منتقل گردید. هزینه انتشار سنگر و رساله های انتشارات سنگر در لندن در دوماه اول توسط اینجانب و در بقیه مدت از طرف ایرانیان تامین و برایگان هم پخش و ارسال میشد از شماره ۱۰۰ که در تورنتو چاپ میشد با کمک ایرانیان و بویژه آقای محسن جلوه تامین هزینه میگردید. این روال تا شماره ۳۳۲ ادامه یافت و از آن تاریخ آقای جلوه مشارکتشان در تامین هزینه سنگر قطع شد.

**حاشیه =** آقای محسن جلوه که ۶۰ سال است سابقه دوستی داریم، مرد مبارزه عملی است نه حرفی و فلسفی و تئوری، ایشان بتصور اینکه مبارزه بصورت عملی در خواهد آمد مرابه کانادا آورد زیرا بنا بر سابقه، به مدیریت و راهبری من در عملیات کوهستانی آگاه بود.

ایشان یک قطعه ۱۴۰۰ ایکری که مشتمل بر جنگل و زمین و ساختمان بود، درصد مایلی تورنتو خریداری کرد و پرچم ایران راه بریک تیربلند نصب نمود که آن محلی برای تربیت پارتیزان برای عملیات در ایران تخصیص یابد، ولی وقتی اوضاع مبارزه را چنین دید که فقط نوشتن و کاغذ بازی است مایوس شد.

باری از تاریخ او آبانماه سال ۱۳۶۶ سنگر فقط برای مشترکینی ارسال گردید که در هزینه انتشار سنگر مشارکت داشتند. یادم هست برای هر ۶ ماه برای مشترکین اروپا و آسیا ۲۲ و برای کانادا و آمریکا ۱۸ دلار تعیین شد. این نکته گفتنی است که تا توقف سنگر کلیه هزینه های انتشار و ارسال سنگر و کتب و رساله های انتشارات سنگر و دیگر فعالیتهایی که به بخشهایی از آن در این گزارش اشاره خواهد شد از طرف ایرانیان بوده است نه بنده و یا شخص معینی، و این دلیل آن است که ایرانیان آماده تحمل هزینه مبارزه علیه جمهوری اسلامی بوده اند و بهیچوجه نیازی به کمک خارجی نیست.

از مشخصات انحصاری سنگریکی این بود که سنگر هیچگون آگهی تجاری قبول نکرد و با وجود پیشنهاد، آنها را رد نمود دیگر اینکه تمامی مقالات کلیه سنگرها بوسیله یکنفر بنام مستعار «عبدالرحمن» نوشته شده است، و بغیر از اشعاری که متعلق به یک ایرانیاری بنام مستعار پیروز است، هیچ نوشته و یا مقاله ای از دیگران در سنگر هائینست.

مبارزه سنگر پس از توقف نشریه، متوقف نشد و فرصتی نصیب شد که یکی از ایرانیان که دارای سایت هزارو چهارصدسال ([www.1400years.org](http://www.1400years.org)) است سنگر را به استفاده از اینترنت دعوت کرد و از آن تاریخ تا به امروز نوشته های سنگر زیر نام امیرفیض حقوقدان در سایت < ۱۴۰۰ سال > مرتباً انتشار مییابد. بدین ترتیب که من نوشته را تنظیم میکنم و میفرستم و ایشان آنرا برای اینترنت آماده می کند، ستون بندی و تیتراژ را و مرتب کرده و با بهره گیری از ایمیل «جاوید ایران» برای ایرانیان ایمیل میکند و آنطور که سایت ۱۴۰۰ سال نشان میدهد تاکنون (۱۸ اسفند ماه ۱۳۹۰) ۳۱۸ تحریر تحقیقی و حقوقی امیرفیض منتشر شده است.

### خط مبارزه و اعتقاد سیاسی سنگر

گرچه سنگرها گویای مشی مبارزه و اعتقاد سیاسی سنگراست ولی اشاره به آن برای تکمیل نسبی این گزارش لازم است در تاریخ ۲۵ مهرماه سال ۱۳۵۹ یعنی قبل از اعلام سلطنت اعلیحضرت رضا شاه دوم، سنگر در شماره ۴۶ اعلامیه ای تحت عنوان «منشورما» انتشار داد که بیان کننده اعتقاد سیاسی و خط مشی مبارزه سنگراست به اتفاق به مختصری از آن نگاه میکنیم.

## منشور ما

ایران از آن ماست

ملت براه ماست

شاه رهبر ماست

ما، راست و عده میدهیم، پایان انتظار را نوید میدهیم، آغاز مبارزه برهبری شاه را خبر میدهیم

ما، به حرکت تاریخ شتاب میدهیم و نمیکذاریم:

ایران پادشاهی، ایران تازی گردد، نمیکذاریم ایران باستانی، ایران قشری گردد، ما نمیکذاریم، نظام پادشاهی، جمهور و توده گردد.

ما از احساسات ملی ملت کمک میگیریم و نمیکذاریم:

ایران طویله گردد، دربند ملا گردد. ما نمیکذارم آزادی ماملت فدای مذهب گردد، ما نمیکذاریم فرهنگ ملت ما اسیر ملا گردد، ما نمیکذاریم غرور و سنت ما فدای حرف واهی گردد.

ما از آزاد منشی آزاد فکری ملت یاری میگیریم و نمیکذاریم:

ایران مترقی و آباد، فقیر و ویران گردد، نمیکذاریم ایران آزادمان، اشغال بیگانه گردد.

ما از غرور ملی و روح انتقام ملتمان استعانت میخواهیم و نمیکذاریم:

خون امیران ما، جان عزیزان ما، هرگز فراموش شود. نمیکذاریم، فریاد و قهر ملت، آرام و ساکت گردد.

ما میگوینم:

انتقام، انتقام، فریاد ملت ماست نابودی قشریون تکلیف ملی ماست

ما روحانی و قشری بی اعتناء به ملیت ایران و نظام پادشاهی رانمیخواهیم و پدرک و اصلشان میکنیم.  
 ما، مقام محترم و والای اسلام رامیشاسیم و آنرا در جایگاه نعمت پذیر قلوب ملت به بزرگی پایدار میسازیم و دستآن خون  
 آلوده به جنایت و خشونت ملا را که بردامان پاک اسلام مهر خشونت و خونخواری کوبیده است باخون بی کرآن ملاها  
 شستشو میدهیم\*  
 ما، آیات قرآن کریم که بدست جنایتکارانه ملاها مستند بزرگترین آدمکشی های قرن قرار گرفته و صفحات قرآن رابه  
 خون میهن پرستان ایران خونین نموده باخون جگر روحانی و ملا پاک میکنیم .....\*

**حاشیه** - توضیحات باعلامت \* مورد تجدید نظر قرار گرفته و رساله <نیروی بازدارند> و مقالات سنگر موبد این تجدید  
 نظر است ( پایان حاشیه )

ما، افسار تعبد و تقلید را از فکروزبان ملتمان بازمیکنیم و برای ابد به این طریق به استحمار ملت برای ملا پایان  
 میدهیم.  
 افتخار بر ملت ایران که در کویر ایران دریائی از خون ملا بسازد که شکل و بوی بدهیبت آن یادگاه ابدی این قوم ویژه جنایت  
 باشد.  
 ما، محکوم میکنیم عرب زادگان را و به دار رسوائی میکشیم عرب فکران و عرب گرایان را.  
 ما، محکوم میکنیم حمله عراق به ایران را و بنگ میزنیم خدمتگذاران و مداحان عراق را.

ما، در راه اعتقاد و به اتکاء اراده شما:  
 ایران را بازمیستائیم و بازش میسازیم و به فروغ آزادی و حریت زینت بخشش میکنیم و شکوه و عظمتی که شایسته ایران  
 و ملت است دوباره نصیبش خواهیم ساخت.

ما به فرزندی و سربازی ایران افتخار میکنیم و باخون خودمان پیمان نجات ایران، بر رهبری پادشاه را امضا میکنیم  
 ما در راه اعتقاد بحقانیت سلطنت و ملت ایران به آزادی و سرافرازی، میجنگیم و رهبری پادشاه رایگانه تابشگاه پرفرغ  
 این مبارزه و رستخیر ملی میشناسیم.

ما هرگز نمیگوئیم که پیروزمیشویم، ما تضمین میکنیم که بجنگیم و مبارزه کنیم و همین شرط پیروزی ماست.  
 ما، نمیگذاریم، ایران چراگاه و جولانگاه قشریون مذهبی گردد، ایران و ملت ایران رامیرهانیم، افتخاراتش رابه او  
 باز میسپاریم و در زیر خاک مقدس و وطنمان برای ابد آسوده و راحت میخوابیم که:

### بدین سان میتوان گفتن که ما مردیم و ایرانی

در همان سنگر که منشور ما پیاده شده است تحریری است با عنوان <تنها یار برای دیار> مقاله مزبور اختصاص به  
 موقعیت شاه در رهبری مبارزه و جامعه ایرانی دارد چند سطر از آن تحریر به اینجا آورده شود بنظر اضافه کاری نیست.  
 ..... اگر شناسنامه مبارزاتی این ۱۸ ماه گذشته رابه دقت بنگاه آوریم خواهیم دید که عدم نموداری مبارزه تنها بعلت  
 یک کمبود اساسی است و آن عدم حضور فرماندهی و رهبری برای مبارزه است و اگر منطق عقل گرایانه و روحیه میهن  
 پرستانه و فرهنگ کهن خودمان را بیاری دعوت کنیم و با راستی پیوند و یاحقیقت همداستان شویم دانسته ایم که آن  
 فرماندهی در هیچ شرائطی نمیتواند جز اقتدار کهن ملی و سنتی پادشاهی ایران باشد که در طول قرنهای نگهبان حیات ملی  
 و استقلال کشور بوده و در مقابل همه مشکلات و مصائبی که بر این کشور وارد شده، به اعتبار قدرت معنویت و اجرایی چون  
 کوهی دافع اثر گذاری آن همه مصائب که کوچکترین آنها نابودی کامل ملت و ایران مابوده است ایستادگی و فداکاری کرده  
 است .....

ما این قدرت فرمادهی را داریم . این قدرت همان است که تاریخ نشان میدهد که شایسته رهبری است.

این قدرت پاک و پرغرور، یاور ایران است، این قدرت ضامن اقتدار ملی و وحدت ملی و عظمت ایران است.

این قدرت عزیز و فارغ از هرگونه اتهام است. این قدرت جوان و پر شور و دریایی از احساس است.

این قدرت یادگار روزهای پرشکوه ایران است، این قدرت جایگاهش در دل و روح ملت ایران است.

این قدرت پادشاه جوان ایران است، این قدرت، یگانه رهبر مبارزه نجات بخش ایران است. هرکس که به ایران میاندیشد و برای نجات ایران میتلاشد باید به رهبری پادشاه افتخار و مباحث کند.....

این راه ایران است و هرکس که در این راه نیست، ویلان و سرگردان است، تنها این نیست که تنها وی بی کس است، مانعی برای نجات ایران است. آنکه مانع نجات ایران است اگر قشری نیست، شک نیست که دشمن دوست نمای ایران است.

## انتشارات سنگر

انتشارات سنگر متوجه موضوعاتی است که در رابطه با مبارزه پیش می‌آید که جای آن در نشریه سنگر نبود. موضوعات مزبور گاه لازم می‌ساخت که به مقاماتی نامه ای ارسال گردد و یا طرحی تهیه و به اجرا گذاشته شود و یا رساله و یاکتاب و جزوه ای به آن موضوع اختصاص یابد.

از آنجا که انتشارات سنگر از سنگر جدانیست اشاره به آن موارد نیز گزارش را شامل میشود.

## اعلامات سنگر

- ۱- هنگامیکه صحبت از حمله احتمالی آمریکا به ایران در رابطه با گروگان های آمریکایی روزهای اول انتخاب آقای ریگان سرزبانها افتاد نامه ای برای ایشان فرستاده شد و «جبهه میهن پرستان ایران» که حمله به ایران را محکوم و تقبیح میکرد.
- ۲- موقعی که دبیرکل سازمان ملل برای آزادی گروگان های تهران رفت و ملاها متقابلا درخواست محاکمه شاهنشاه را مطرح کردند نامه ای به سازمان ملل ارسال شد «جبهه میهن پرستان ایران» و به سازمان ملل توجه داده شد که درخواست شورشیان قانونی نیست و خارج از حیطه اقتدار سازمان ملل متحد است.
- متن نامه مزبور در تاریخ ۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۵۸ بصورت جزوه ای مجلد و آبرومندانه تنظیم و نسخه انگلیسی آن برای سازمان ملل و نسخ فارسی برای ایرانیان ارسال گردید.
- ۳- در سال ۱۳۶۶ برنامه ای در ایران به اجرا گذاشته شد که تصویر اعلیحضرت رضاشاه دوم بر روی اکران تلویزیون ایران دیده شد و اشنگتن پست اعلام کرد که برنامه مزبور بوسیله سازمان سیا انجام شده است سنگر به مقابله با این اتهام برآمد خاصه که موضوع مورد تکذیب اعلیحضرت هم قرار گرفته بود سنگر با مکاتبات با اشنگتن پست و ارسال تله پست مخابره شده به سازمان سیا در حدی که مقدورش بود اثر خبر مزبور را منتفی ساخت، برای استحضار متن فارسی و انگلیسی نامه مزبور و کامل جریان اقدامات در سنگر ۱۵ فروردین ۶۶ شماره ۳۱۸ قابل ملاحظه است و از آنجا که شاید دسترسی به سنگر مزبور برای خواننده این تحریر آسان نباشد متن فارسی آن از همان سنگر به اینجا آورده شده است:

«سازمان سی ای ای - بطوریکه استحضار دارید روزنامه و اشنگتن پست و نیز (نسلی استاهل) گزارشگر تلویزیون سی بی اس اظهار داشته اند که هزینه اجرای طرح ارائه تصویر شهریار ایران در تلویزیون کشور ایران بتاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۸۶ از سوی سازمان سیا تامین شده است.

شهریار ایران در مصاحبه با همان تلویزیون سی - بی اس ادعای فوق را قویا تکذیب فرمودند.

بر اساس موارد بالا، لازم است با اطلاع آن سازمان برسانیم، اگر کسانی بنام اجرای برنامه فوق الذکر از آن سازمان پولی دریافت کرده باشند با آنکه عمل آنان کلاهبرداری بوده که مربوط به آن سازمان میگردد، معهدا برای آنکه ننگ این عمل متوجه مبارزه سلطنت طلبان نباشد تقاضا دارد آن سازمان مبلغ پرداختی به آن اشخاص را موجه اعلام دارند تا آن مبلغ از سوی ما به آن سازمان تادیه گردد تا ننگ این اتهام پلید از مبارزه سلطنت طلبان پاک گردد

بدیهی است عدم پاسخ به این تقاضا ظرف ۱۵ روز بمنزله آن خواهد بود که سازمان سیا هیچگونه دخالتی در اجرای طرح مزبور نداشته است.

با احترام سربازان ایران - سنگر»

(آنروزها چقدر ماسلطنت طلبان از اتهام و ننگ توسل به بیگانه وحشت داشتیم که به آن ریسک بزرگ دست زدیم متأسفانه امروز بواسطه ندانم کاریها روبروی این اتهام سنگین ایستاده ایم)

## طرحهای سنگر

### ۱. میثاق داد خواهی

در آن روزها یعنی سال ۵۸ دنیا هیچ توجه و اعتنایی به جنایات و محاکمات خودسرانه و بی دلیل و غارتهای شورشیان ۵۷ ایران نداشت و کوچکترین صدائی از باب عدم رعایت حقوق بشر شنیده نمیشد و علت هم معلوم بود زیرا که جناح آمریکائی شورش مشتمل بر بازرگان و آیدای او و نیز جناح انگلیسی شورش مسلط بودند، در این شرائط طرح «منشور داد خواهی» به ابتکار سنگر در تاریخ اسفندماه ۵۸ به اجرا گذارده شد و آن ورقه بزرگی بود که خطاب به سازمان ملل متحد و رونوشت به سازمان جهانی حقوق بشر حاوی مطالب زیر بود:

#### «منشور داد خواهی»

اعلامیه ای که تقدیم میشود، اعتقادات روشن و استوار ما امضاکنندگانی است که بحاکمیت عدالت و محکومیت ظلم رجاء و اثق داشته و بقای آنرا در جامعه بشری در میثاق و تعهد خود میدانیم.

#### ما اعلام میکنیم

در کشور ما ایران، جنایت، خشونت، غارت و انتقام حاکم بر سرنوشت کشور ماست. محاکمات و اعدامها که بدون داشتن حق دفاع و انتخاب وکیل و دسترسی به اسناد دفاع انجام میگردد سنگین ترین ضربات رابه قضاوت و انصاف بشری وارد ساخته و عدالت را شهید و نابود میسازد.

غارت، بعنوان یک رکن اقتصادی، حکومت وسیع و گسترده ای یافته که در حمایت بیدریغ رژیم حاکم، مظهر بی اعتنادی به امنیت و حقوق فردی و اجتماعی است. غارت آثار عتیقه و هنری و باستانی کشور که در معیار بزرگ و رقابت آمیزی جریان دارد ابداعی جدید برای تاراج میراثهای ملی و هنری کشور ماست. کشتار بی گناهان با اتهامات واهی و تکراری برای گسترش جو خشونت و تمکین به ظلم و ستم، سازنده فضای آکنده از وحشت و نفرت عمومی است. دهها هزار ایرانی، محروم از دیدار عزیزان خود با سرنوشت نامعلوم و پلاتکلیف خود در بدترین شرائطی در عذاب و شکنجه روحی و جسمی قرار دارند. شرف و حیثیت ملی ایرانیان با گروگان گیری و عملیات قهرآمیز و بی اعتنایی به حقوق و مصونیت سیاسی و بین المللی دستخوش هوی و هوس مسنولین و افراد غیرمسئول قرار گرفته و ملت ایران بابتی گناهی تمام در این گناه بزرگ ضد انسانی شریک و متهم گردیده است.

این زشتی ها، تاسف و تائیری شگرف به ملت و مردم ما وارد ساخته که غضب و خشم فزاینده نظام حاکم، امکان عرضه نمایش این الم های دردناک و تنفرآمیز فوق تحمل بشری را نمیدهد.

ما، با اعتقاد و آگاهی و احترام نسبت به آن سازمان جهانی در حراست از عدالت و حقوق انسانی همه انسانهای محروم و اسیر مصرانه میخواستیم که با اقدامات خلاف مردمی رژیم حاکم بر ایران که هر روز بنوعی به خشونت خود می افزاید، رسیدگی سریع بعمل آید» (مشروح درسنگر ۳۱۸ سال ۶۶)

این ورقه ها برای گیرندگان سنگر همراه نامه ای که خوشبختانه نمونه ای از آنرا یافتیم ارسال گردید متن نامه مزبور این چنین است:

«دوست عزیزم . منشور دادخواهی که پیوست تقدیم است، طرحی است عمومی وجهانی برای اعلام مطالب و ستمهایی که در ایران حاکم است شما که به ایران و انسان ها میاندیشید کمک کنید تا این دادخواهی از طرف انسانها و ایرانیانی که نظام حاکم رامحکوم به خشونت میکنند امضا شود. شما در این کمک مردمی و انسانی بتعداد مورد نظر خودتان از این ورقه ها چاپ کنید و سپس همه آنها را برای امضا به دوستان خودتان ارائه دهید و پس از تکمیل امضا که انشاء الله کوشش شما سبب خواهد شد که تعداد زیادی از این ورقه ها به امضای ایرانیان برسد بصندوق پستی **B.P 437-75830 PARIS CEDEX 17** درپاریس پست فرمائید، دقت فرمائید که درمقابل شماره های گذاشته شده در فرم فقط امضا شود و ضرورتی به ذکر نام و نام فامیل نیست. بااحترام و درانتظار کمک شما و همه انسانها.»

## ۲. منشور پیروزی

درفاصله درگذشت شاهنشاه آریامهریا روز نهم دی ماه سال ۱۳۵۹ روزهای بسیار سخت و آشفته ای بود. برخی خبرهای رسیده و نیز قرآن حکایت از این داشت که ممکن است ولیعهد در تاریخ نهم اسفند قبول سلطنت نفرمایند و برخی خبرها نقیض آترابیان میکرد برای آنها که به اثرات تداوم سلطنت و نیز عدم قبول سلطنت از سوی ولیعهد واقف بودند آنروزها خیلی دلهره آور بود، قطراتی از آن نگرانی و تشویشهای توصیف ناپذیریه برخی از سنگرها از جمله سنگر شماره ۳۶ مورخ ۲۳ شهریور مقاله «چاوید گسسته و اقتدار سست» نشت کرده است، در آن زمان یعنی در مهرماه سال ۱۳۵۹ پس از مراجعت از قاهره، سنگر طرح منشور پیروزی را ارائه داد با این نیت که آن منشور امضا شده بصورت طوماری برای ولیعهد همایونی ارسال تا آن طرح وسیله ای باشد برای ترغیب ولیعهد به قبول سلطنت و مانعی باشد برای رد احتمالی سلطنت، این منشور همانند منشور دادخواهی فقط برای ایرانیان مقیم انگلستان و فرانسه ارسال گردید نه آمریکا.

متن منشور پیروزی و فرم و نسخه امضا شده آن در سنگر ۳۱۸ قابل ملاحظه است و برای تسهیل خواننده این تحریر متن منشور پیروزی از همان سنگر به اینجا آورده میشود.

### «منشور پیروزی»

ما انسانها که آراسته به مهر ایران و احترام به نظام پادشاهی ایران هستیم خواستهای اعتقادی خود را با امضای این طومار بیان میکنیم.

نگاه ایمان ما بر آن است که تداوم و حاکمیت معنوی سلطنت، تنها هسته حیات بخش پیروزی مبارزه برای نجات ایران است و تا پادشاه باتاج معنویت ملی به پرچمداری این مبارزه مقدس مفتخر نگردند، هیچ تلاشی دارای اثر بخشی و نمود مبارزه نخواهد بود.

باورداریم که سکوت سلطنت، نوعی بی مهری به ملت و بی اعتنائی به سرنوشت کشور است، که نمیتواند با غرور ایران خواهی و مردم داری پادشاه جوان هماهنگ باشد.

چشم امید داریم که منشور ولوای پادشاه پیشاپیش مبارزات سترگ رهایی ملت و نجات ایران و استقرار فلسفه رستگاری قانون اساسی با قدرت معنوی و متهورانه خود آغاز به حرکت نماید و بدین سان رسالت بزرگی را که ملت و تاریخ دیرینه ایران بر عهده پادشاه ایران نهاده است با سرافرازی و افتخار بتحقیق گراید.

ما به حق خواستاریم که از هم اکنون و الاحضرت ولایتعهد رضا پهلوی در موقعیت یک فرمانده معنوی مبارزات ملت را رهبری و با جلوس به سلطنت در روز نهم آبان، با قاطعیت که زانیده روح و مسئولیت آن پادشاه جوان است اراده خود را بر مبارزه بی امان و چاره ساز برای نجات ایران پادشاهی اعلام فرمائید (مشروح جریان طرح پیروزی در سنگر ۳۱۸)

**۳. طرح تصویر**

در سال ۱۳۶۳ خبرهائی که از یاران داخل کشور میرسید لازم ساخت که جنب وجوشی نشان داده شود که تحولی باشد برسکوتی که حاکم بر مبارزه ماشده بود. بدین جهت در پیام نهم آبان ماه همان سال، تصویر شهریار ایران بضمیمه پیامشان بمناسبت نهم آبان در سنگر شماره ۲۲۵ پخش گردید و بموازات آن، همان تصویر باقطع کوچکتري بازیرنویس زیر



\*\*\*\*\*

زیر نویس تصویر: ای مردم، شاه رایاری کنید، اتفاق کنید تارژیم وحشی غاصب رابه زیربکشیم ای مردم، شاه حق است، بدانید که هیچ چیز را برحق غلبه نیست خداوند یاور شهریار ایران است

همراه نامه ای که متن آن در زیر آورده شده برای ایران یاران سنگر ارسال گردید.

«ایران یارگرمی  
ده قطعه تمثال شهریار ایران تقدیم است. استدعادریم آنها رابه نشانی ایرانیان مقیم ایران (هرنشانی یک عکس) پست فرمائید.  
دانستن نشانی ایرانیان چندان مشکل نیست. ضرورتی به ذکر نام گیرنده نمیباشد. خانه های شهرهای ایران شماره دارد و در هر خانه ای در هر خیابان و کوچه، ایرانیانی زیست میکنند که چه مخالف و یاموافق سلطنت باشند، اثر خدمت شما کار ساز خواهد بود. از شماره ردیف خاتمه ها در خیابانهای شهرهای ایران استفاده کنید. تصاویر رابه کلاتری ها، ادارات، شرکتها، شهرداریها، بانکها، بنکاه های مسافری، میهمانخانه ها، هتلها، پمپهای بنزین، مغازه ها، مدارس، مساجد، کارخانه ها و بسیاری محل های عمومی دیگر میتوانید براحتی پست کنید.  
مطمئن باشید که به همت شما و سایر ایرانیان ۳۰ هزار قطعه تمثال شهریار ایران روانه شهرهای ایران خواهد شد»

با احترام آرزوی پیروزی  
سربازان ایران - سنگر

**۴. طرح اعلام عام**

مسئله مداخله بیگانگان در امور ایران شاهنشاهی با هدف تبدیل رژیم قانونی سلطنتی به جمهوری اسلامی و ویرانه کردن کشورمان که از مصادیق مخالف با حقوق بین الملل است سبب شد که در چند نسخه سنگردلائل و اسناد و اقراری که تا سال ۱۳۶۶ در رابطه با دخالت آمریکا و انگلستان در تدارک شورش ۵۷ انتشار یافته بود مورد بحث و نقد قرار گیرد و سپس طرحی که نام «اعلام عام» بر آن نهاده شد در جریان گذاشته شود این طرح اعلام محکومیت



کشورهای مداخله کننده درشورش ۱۳۵۷ بود و از ایرانیان درخواست شده بود که با امضای آن ورقه و تکثیر، آترابه سنگر عودت دهند. پایان مدت جمع آوری امضا و ارسال آن به سنگر آخر خرداد ماه است (یعنی سال ۶۶)

مشروح طرح اعلام عام در سنگر ۱۵ فروردین ۱۳۶۶ درج است یک پارگراف از طرح مزبور از همان سنگر به اینجا آورده میشود که بازگوکننده هدف نهانی از طرح اعلام عام است.

> نباید انتظار داشته باشیم که با اجرای طرح اعلام عام، کارترودیدگر همکاران سیاسی او به محاکمه کشیده شوند و دادستان آمریکا، این قانون شکنی آشکار را مورد رسیدگی قرار دهد و پرونده عظیمی در تاریخ قضائی آن کشور گشوده شود ولی باید یقین داشت که بهر طریقی که مقامات مسئول و شخصیت‌های سیاسی و رسانه‌های گروهی آمریکا با طرح مزبور برخورد کنند، نتایج بسیاری در جهت حقانیت و مشروعیت رژیم سلطنتی ایران و مبارزه سلطنت طلبان ببار خواهد آورد و کوس رسوائی و تحمیلی رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر خواهد نواخت. (همان سنگر صفحه ۷)

در تاریخ دهم شهریور همان سال ۱۳۶۶ گزارش طرح اعلام عام در سنگر ۳۲۷ در ۱۲ صفحه انتشار یافت.

گزارش مزبور مشتمل بر دو جریان است یک جریان مراتب اجرای طرح تا پایان جمع آوری امضا و جریان دوم اقدامات انجام شده از پایان جمع آوری امضا تا پایان اجرای طرح است.

در جریان اول از تلاش‌هایی که برای جلب همکاری جراند ایرانی خارج از کشور و درخواست همکاری از شورای مشروطه و سازمان‌های مبارزاتی و مبارزین انفرادی و متن نامه‌های سنگر به آنها صحبت شده و همچنین از توضیحاتی در مورد طرح از سنگر خواسته شده بود و همچنین از کارشکنی‌هایی که صورت گرفت.

در جریان دوم مراتب زیر مطرح شده است:

### تعداد برگ‌های امضاشده

تعداد اوراق امضا شده اعلام عام که به سنگر رسیده تا تاریخ ۱۵ تیرماه دقیقاً شمارش و تعداد آنها برابر با ۸۵۲ برگ متضمن ۹۸۷۹ امضا اعلام می‌گردد.

### ملاحظات آماری - آمار منطقه ای امضاها

در آمار منطقه ای آمریکا با ۲۹۰ برگ و ۳۱۴۶ امضا ردیف اول و کاستاریکا با یک برگ و یک امضا در ردیف آخر و در اروپا و استرالیا، استرالیا اول با ۱۳۱ برگ و ۱۵۷۲ امضا اول و نروژ با یک برگ و دو امضا آخر اما رهای شخصیتی مشتمل بر سازمان‌ها و افراد در صفحه ۶ همان سنگر مشروح است.

### اقدامات اجرایی

قطع و اندازه برگ‌های اعلام عام از آمریکا و کانادا بایرگ‌های رسیده از اروپا و استرالیا یک اندازه نبود ناچار از اروپا و استرالیا بوسیله فتوکپی کوچک گردید و از هر یک ۳۰ نسخه فتوکپی شد که مجموعاً ۲۵۷۱۰ نسخه فتوکپی و بصورت دو کتاب مجلد شد تصویر آن دو جلد در همان سنگر صفحه ۶ قابل ملاحظه است. برای جلوگیری از قشور شدن اوراق دو رو چاپ شد معه‌ذا وزن هر جلد کتاب ۲/۵ کیلو نصاب پستی شد و مجموعاً ۶۰ جلد مشتمل بر جلد اول و دوم آماده ارسال پستی برای مراجع مورد نظر گردید (تصویر مجموعاً ۶۰ مجلدات در صفحه ۷ همان سنگر درج است)

### مراجع گیرنده اعلام عام ها

۱- دادستان کل ایالات متحده آمریکا ۲- سازمان ملل متحد ۳- کمیسیون تحقیق ارسال اسلحه به ایران ۴- کمیسیون رسیدگی به مسئله ایران و نیکاراگوئه ۵- کنگره آمریکا ۶- برای ۱۹ کشور امضا کننده عهدنامه



هلسنیکی، توضیح اینکه عهدنامه هلسنیکی که بوسیله ۱۹ کشور از جمله آمریکا امضا شده دخالت در امور کشورها را بهر نحو که باشد ممنوع ساخته است (اسامی کشورهای امضاکننده عهدنامه مزبور که گیرندگان اعلام عام بوده اند در همان سنگر صفحه ۹ درج است) ۷- روزنامه واشنگتن پست، برای روزنامه مزبور علاوه بر دو جلد اعلام عام فتوکپی نامه هانی که برای سازمان ملل و دیگر مراجعی که گیرنده اعلام عام بودند نیز ضمیمه بود. ۸- کتابخانه کنگره آمریکا قسمت ایران، کتابخانه کنگره آمریکا در تاریخ سی ام جولای ۱۹۸۷ ضمن نامه ای خطاب به سنگر سربازان ایران تقاضای یک جلد رساله «اسلام نیروی بازدارنده» را نمود در پاسخ نامه، ضمن ارسال رساله نیروی بازدارنده دو جلد اعلام عام و رونوشت نامه هانی که به مراجع گیرنده اعلام عام ارسال شده بود فرستاده شد. ۹- وزارت خارجه ایران شاهنشاهی از ۳۰ نسخه دو جلدی اعلام عام ۲۹ نسخه به مراجع ذکر شده و نسخه سی ام در دفتر سنگر محفوظ خواهد بود تا تشکیل دولت شاهنشاهی ایران که تسلیم وزارت خارجه ایران شاهنشاهی گردد.

### توضیحات وابسته

برای کلیه مراجع گیرنده بسته های اعلام عام نامه ای به انگلیسی همراه شده که حاوی توضیح لازم میباشد متن نامه های مزبور بطور جداگانه در همان سنگر بضمیمه متن فارسی آن درج است  
دوم - بسته های اعلام عام بوسیله پست سفارشی برای مراجع فرستاده شده و قبوض سفارشی هریک بطور جداگانه در آن سنگر گذاشته شده است.  
سوم - توضیحات جامع نسبت به طرح و مراتب وابسته به آن در همان سنگر مورد اشاره در این متن قابل ملاحظه است.

### ۵- طرح پشتیبانی

در اسفندماه سال ۶۶ اعلیحضرت بمناسبت تهاجم موشکی و هوایی عراق به تهران و سایر شهرهای ایران بوسیله تلگرافی از آقای کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل خواستند که نسبت به قطع حملات مزبور از بذل تلاش کوتاهی نکنند. سنگر بمناسبت اقدام تحسین آمیز شهرداری ایران فوق العاده ای بشماره ۱۱+۳۳۲ بضمیمه فرم خاصی که نمودار پشتیبانی از تلگراف شهرداری ایران بود به دبیرکل سازمان ملل متحد، انتشار داد و از سازمان هادرخواست کرد که در تکثیر فرمها و جمع آوری امضا تلاش مین پرستانه بفرمایند.

گزارش اجرایی طرح پشتیبانی بطور مشروح و مصور در سنگر ۱۸+۳۳۲ مورخ اول تیرماه ۶۷ پیاده شده که برای سهولت، اشاره ای به مطالب آن گزارش بجاست.

«اولین فرم امضا شده طرح پشتیبانی از سوی آقای <علی - ر> مقیم آمریکا بفاصله زمانی ۷۲ ساعت و دومین آنها از طرف تیمسار <شین> بفاصله کوتاهی با پست (اور نایت) به سنگر رسید و مجموعاً ۱۶ فرم بوسیله پست فوری مزبور دریافت گردید فوریت طرح پشتیبانی لازم ساخت که فرمها به محض وصول به سنگر، بسته بندی و مجلد شده و به سازمان ملل ارسال گردد و بهمین ترتیب هم اقدام شد. توضیح اینکه تا پایان روز دوشنبه ۱۵ خرداد تعداداً ۱۹۲۸ برگ مشتمل بر ۲۵۶۵۰ امضا به سنگر رسید که مجموعاً مشتمل بر ۱۲ مجلد برنگهای مختلف میشد.

در صفحه ۷ سنگر گزارش اجرایی طرح پشتیبانی، تاریخ ارسال هریک از مجلدات و تعداد برگهای و امضا و وزن پستی و تاریخ ارسال سفارشی به سازمان ملل متحد و در صفحه ۸ همان سنگر فتوکپی قبوض پست سفارشی به سازمان ملل متحد و تصویر مجموع ۱۲ جلد گذارده شده است.

مشروح گزارش مشتمل بر ملاحظیات آماری - ملاحظیات منطقه ای - توضیح درباره فرمها - آمار شخصیتی - توضیحات وابسته - گزارش مالی و هزینه اجرای طرح بصورت ریز و اسناد آن و انتقاداتی که نسبت به طرح مزبور شده است در همان سنگر درج است.

**واکنش سازمان ملل متحد**

سازمان ملل متحد به هریک از نامه های همراه بسته های پستی پاسخ امیدوارکننده ای داد که فتوکی آن نامه در صفحه ۱۱ همان سنگردرج گردیده است.

**حاشیه =** یک ۱۲ جلدی از طرح پشتیبانی برای دبیرخانه آماده ارسال و مراتب هم به دبیرخانه اعلام گردید و چون پاسخی دریافت نشد همچنان تا توقف سنگر نگهداری شد (پایان حاشیه)

**۶- طرح اصیل**

نابسامانی و بلاتکلیفی حاکم بر مبارزه ماعلیه جمهوری اسلامی و عدم ایفای تعهدات سلطنت از جانب رضاشاه دوم لازم ساخت که طرحی برای حرکت مبارزه تدوین و خواستار اجرای آن گردیم. طرح اصیل پیشنهاد تشکیل دولت موقت است که در سنگر ۲۲ شهریورماه سال ۶۷ بشماره ۲۵+۳۳۲ معرفی شده است با سرفصلهای زیر است.

نخست - معرفی طرح اصیل (دولت موقت)

دوم - کیفیت حقوقی اجرای طرح اصیل در شرائط حاضر.

سوم - دفاع از مشروعیت و قانونی بودن طرح اصیل.

چهارم - تکلیف سلطنت طلبان و آمادگی سنگردرا اجرای طرح.

بهریک از موضوعات بالا سنگری اختصاص یافت که بشماره های ۳۰+۳۳۲ و ۳۲+۳۳۲ قابل مطالعه است در رابطه با تکلیف سلطنت طلبان و آمادگی سنگر، بخشی از همان سنگر به اینجا میآورد که گویائی بسیاری رابا خود دارد.

**«لایحه ای به ایرانیاران»**

خواهش این است که این لایحه را از محضر غیرت بوطن خواهی، عزت و شوکت سلطنت و احترام به منویات قلبی و آرزوهای خود بدانید و یقین داشته باشید که این لایحه از شبها و رضا جوئی ها فردی به دور، و عیاران، اعتقاد به حقانیت سلطنت و مشروعیت و دوام سلطنت اعلیحضرت رضاشاه دوم است و اگر غیر این باشد این سرباز به خفت نام و استیلائی نفرین وطن، مستحق و متصف گردد.....

**ایرانیاران گرمی**

اصول کلی طرح اصیل که طرح نجات مبارزه و ایران است باستحضار شمارسید شما کاملا احساس میکنید که مبارزه در شرائط بسیار بد و اساسا در حال نزع و پایان است. سنگر چه بگوید که شما بیش از هر چه گفته شود آگاهید.....

میدان مبارزه ما همانند پیست رقص شده است گروهی دیگر آن رامیرقصانند، گروهی خود میرقصند ولی نمیدانند که میرقصند و گروهی هم میرقصند ولی تصور میکنند که این خودشان هستند که میرقصند. رقص از نظر فلسفی ارائه حرکات و اعضای بدن است برای خوشایند دیگران. اگر خوب دقت کنید مبارزه ما جز حرکاتی که برای خوشایند دیگران و طرف توجه قرار گرفتن رقص نیست. وای که چه سرنوشت شومی داریم مارقصان.

بدانیم که همه ما نزد ایران، نزد قطب مقدس، نزد وجدان خود مسئولیم. نمیتوانیم در مقابل نظاره ۱۰ ساله خود برفوت وقت و سقوط مبارزه، دلیل برانت داشته باشیم. باید کاری کرد که مبارزه رابه حرکت درآورد.

این سرباز (سنگر) بامطالعات کافی اشکال عدم حرکت مبارزه رایافته است. اگر طرح اصیل رازاحکام قانون اساسی و متمم آن استخراج و ارائه می‌دهد مانع اجرایی آنرا هم دانسته است و براحتی از موضوع نگذشته و بصرف حرف و تحریر قناعت نکرده است. اکنون زمانی است که باید به اتفاق آن موانع را برداریم و طرح اصیل درموقعیت اجرایی قرارگیرد. قسمتی از این مهم برعهده شماویاره ای هم اگر اجازه بفرمائید در آمادگی سنگرباشد.

#### آنچه برعهده شماست

اول- طرح اصیل را با دقت و امعان نظر کافی بخوانید. در صورتی که نیازی به توضیح و یا استفهامی وجود داشت سنگر را مباحی به توضیح بنمائید اگر طرح را پذیرفتید و آنرا راه نجات ایران و مبارزه دانستید که امیدوارم چنین خواهد بود خود را موظف به اجرای آنچه راکه در تعهد شما قرار خواهد گرفت بدانید. تعهد سلطنت طلبان در این مورد محدود است به قبول طرحهایی که سنگر ارائه می‌دهد و اجرای آن در کمال علاقه و صمیمیت.

دوم - سنگر در جهت رفع موانع برای اجرای طرح اصیل توسط اعلیحضرت طرحهایی آماده کرده است که تصور میکند که اجرای آنها بتواند موانع را برطرف و کاری راکه باید سالها قبل میشد به مرحله عمل درآورد .....

سوم - سنگر برای اجرای طرحهایی که تنظیم کرده اختیار می‌خواهد، اختیاری ۶ ماهه می‌خواهد باین شرط و تعهد سلطنت طلبان که طرحهایی راکه سنگر تقدیم میکند در اجرای آن گفتگو پیش نیاید .....

طرحها فقط و فقط در اجرای طرح اصیل و رفع موانع اجرایی آن از سوی اعلیحضرت است

.....

کیفیت طرحها طوری است که قابل اعلام قبلی نیست و به تناسبی که طرح باموانع برخورد میکند اجرا و یا طرح مقابل ارائه میگردد .....

چهارم - در تفویض اختیار و بذل اعتماد به سنگر، جراند سلطنت طلب - رسانه های گروهی و سازمان های سلطنت طلب و منفردین تمامی مقام حضور و تعهد خواهند داشت

.....

پنجم- تفویض اختیار به سنگر و اجرای طرحهای سنگر، هیچگونه تعهد مالی ایجاد نخواهد کرد و اگر هم احتمالاً لازم بشود در حدی است که خود سازمان ها به مصرف آن عادت دارند.

ششم - سنگر هیچ اصراری در تفویض اختیار و اعتماد از سوی سلطنت طلبان ندارد اما اصرار حتمی در نجات ایران دارد. اگر کسانی آمادگی سنگر را دارند که طرح اصیل را از قوه به فعل درآورد، سنگراولین کسی خواهد بود که در کمال صداقت و با تمام وجود به آن شخص تفویض اختیار مینماید و اگر کسی طرح اصیل را مردود میداند و طرحی که متضمن تداوم سلطنت و قانون اساسی و متمم آن و سلطنت رضاشاه دوم است ارائه میدهد که لایق دفاع باشد، در کمال میل سنگر زیر بار هر تعهد و تکلیفی برای انجام آن طرح خواهد رفت و اصراری در طرح اصیل نخواهد داشت. ما سلطنت طلبان نباید در زمره مردمی بشمار آیم

که برتری حقانیت رژیم شاهنشاهی و نجات وطن را تنها با کلام نخواهیم و از قبول هر تعهد و تکلیفی در راه تحقق این آرمان بزرگ و بحق تردید کنیم.

هفتم - سنگرواین سرباز معترف است که درخواست چنین اختیاری، کاری بالقوه و بیسابقه است و در این بحران بی اعتباری حاکم بر مبارزه، که احتیاط بیش از حد را در تمام مراحل مبارزه تاکید دارد، سلطنت طلبان بامشکل و سواس رویرو خواهند بود.

در کنار این آگاهی، علم به این واقعیت هم هست که ممکن است پیشگامی سنگرد را برای طرح اصیل، خوشایند برخی از جراند و رسانه های گروهی سلطنت طلب نباشند.....

ولی سنگر علیرغم این صراحت لهجه باخضوع تمام استدعای میهن پرستانه دارد که بمناسبت حساسیت زمان و حالت مبارزه با تفویض اختیار ۶ ماهه به سنگر از تاریخی که سنگر اعلام میدارد موافقت فرمایند و بدین ترتیب اجازه و امکان دهند تا مبارزه و طرح اصیل در موقعیت اجرایی قرار گیرد و در عبارت ساده، یا بدل اختیار و اعتماد به سنگر بفرمائید و یا با افتخار و کمال علاقمندی به شخصی که آماده است تا موانع را از پیش اجرای طرح اصیل بردارد تفویض اختیار خواهد شد.....

### لایحه ای به حضور پادشاه

از خاکپای همایونی استدعای میهن پرستانه دارد که طرح اصیل را به امعان نظر مفتخر فرمائید. آنرا لایق شور و بحث شناخته مقرر دارند که مشاورین آنرا در محیط اظهار نظر صادقانه قرار دهند. اگر اجرای آن تصویب شد و سعادت آن که حق است به مبارزه ارزانی فرمودید که امیدوارم چنین باشد، تکلیف همه سلطنت طلبان معلوم و استدعای سنگر در تفویض اختیار هم منتفی است و اگر مشاورین نیازی به توضیح داشتند میتوانند. ۱- از طریق تبدیل لوایح در دونوبت رفع ابهام و سپس اتخاذ تصمیم نمایند. ۲- یکی از مشاورین باحکمی که از اعلیحضرت دارد به هزینه سنگر به تورنتو تشریف بیاورند. (علت این استدعا مشکلات قانونی مسافرت من به خارج از کانادا است)

اعلیحضرت -

رای نهائی طرح اصیل و این لایحه و لایحه تقدیمی حضور سلطنت طلبان، وقتی صادر خواهد شد که خدای نخواست، پرونده مبارزه سلطنت طلبان بسته شود عبدالرحمن (سنگر ۲۵+۳۳۲)

### گزارش طرح اصیل

گزارش طرح اصیل بطور مشروح در سنگر اول شهریور ماه ۶۸ منتشر شده است که برای کوتاهی این گزارش تنها به ذکر سرفصل های گزارش اکتفا میشود که میتواند علانمی از موضوعات گزارش باشد.

نخست این اشاره لازم است که طرح اصیل و خبر آن فقط در سنگر منتشر نگردید بلکه بصورت آگهی در کیهان لندن بشماره ۲۱۸ بامنون زیر هم منعکس شد.

«اعلیحضرت رضاشاه دوم - استدعا دارد طرح اصیل در سنگر ۲۲ شهریور ماه سال جاری به امعان نظر و عنایت ملوکانه مفتخر گردد»

سازمانهای سیاسی، جراند، رسانه های گروهی تقاضا دارد طرح اصیل درسنگر ۲۲ شهریورماه سال جاری بررسی و در صورت موافقت سنگر امامورفرمانید.

### سرفصلهای داخلی گزارش

#### کیهان و طرح اصیل -

در صحبت تلفنی باکیهان لندن متصدی مربوطه اظهار علاقه کرد که یک نسخه از طرح برای کیهان فرستاده شود که بایست سفارشی فرستاده شد (فتوکپی رسید پست سفارشی درسنگر درج است) برای چاپ طرح اصیل کیهان مطالبه ۵۰۰۰ دلار = ۲۵۰۰ پوند نمود و با پیشنهاد تقسیط هم مخالفت کرد و این درحالی است که در همان روزها کیهان لندن در دوشماره چندین ستون اختصاص داد به مقاله ای که نویسنده آن مدعی بود که «مبارزه رهبروتشکیلات نمیخواهد و هرکس خودش باید مبارزه کند» در کیهان شماره ۲۳۱ یکی از خوانندگان کیهان نوشت «درفروردین ماه سال ۶۷ طرح تشکیل دولت موقت رابه کیهان فرستاده ولی کیهان از چاپ آن امتناع کرد» (مشروح، خواندنی است در همان سنگر)

### برخورد رسانه های گروهی و سازمان ها با طرح اصیل

رسانه های گروهی کوچکترین اعتنایی به درخواست سنگرمبنی بدرج خبر طرح اصیل و همکاری رانمودند (مشروح در همان سنگر)

### سازمان های یاری دهنده طرح

برخلاف رسانه های گروهی سازمان ها استقبال و آمادگی وسیعی رابرای اجرای طرح اعلام داشتند که اسامی سازمان ها و نوع همکاری انها در همان سنگرنوشته شده است سازمان جوانان ایرانی میهن پرست حتی برنامه تحصن راهم آماده به اجراشد.

دریک نامه محرمانه وخصوصی مسنول سازمان سپاه (آقای م- ب) اظهار آمادگی کرد که بعنوان نماد حرکت طرح اصیل و کمک به رفع موانع اعلیحضرت به خودسوزی دست بزند.

اجازه فرمانید همین اشارات از برخورد و استقبال از طرح کافی باشد و به سرفصل های بقیه گزارش پرداخته شود.

### اختیارات درخواستی سنگر برای چه بود؟

سنگریااختیارات درخواستی چه میکرد؟ اگر طرح اصیل پذیرفته میشد.

اگر طرح اصیل پذیرفته نمیشد ( در آخرین قسمت جمله ای است که خواننده رابه مطلبی تالم آورمیرساند و آن این است: تاریخ چه خواهد گفت که حتی یک کلمه چه تلفنی ویاکتبی راجع به طرح اصیل بااین سربازان ناحیه دفتر سیاسی ویامشاورین شاه صحبت نشد عجب تمرین دمکراسی مینمائیم.

سنگر التیماتوم نداده بود که بی اعتنایی جوابش باشد تا آنجاکه ممکن بود اقدام سنگرمنطبق بااصل ۳۶ متمم قانون اساسی گردیده بود و نمیتوانست و نمیباید باچنین گذری بسیار غیرمنصفانه روبروگردد.

علاقمدان به مجموع ومراتب گزارش به همان سنگر رجوع فرمایند.

### ۷- طرح شورای نظارت بر صلح

در سال ۱۳۶۷ که جنگ عراق و ایران پایان یافت سنگر، بادرک حساسیت زمان و اهمیت موضوع صلح و قرارداد آن مبادرت به اقداماتی را لازم دانست. نخست کتابی تحت عنوان (سیرتجربی درقراردادها) تدوین کردم که مطالب آن کتاب میتواند کمکی باشد به کسانی که دست اندرکارقرارداد صلح باعراق هستند.

انگیزه تنظیم رساله مزبور از پشت جلد همین کتاب میخوانیم که چنین نوشته است:

### انگیزه

مذاکرات صلح به عراق و ایران که این روزها در صدر مسائل به میهن مآقرارداد تکلیف مسلمی رابره ما ایرانیان مسلم میسازد و آن هوشیاری نسبت به موازین حقوق ایران و ملاحظه ابعاد مذاکرات و تصمیمات متخذه در کمیسیون صلح است. این تکلیف ایجاب میکند که نسبت به روابط حقوقی دوکشور ایران و عراق و بعضا (عثمانی سابق) آگاهی های بیشتری داشته باشیم، بدین سبب لازم افتاد که رساله حاضر تنظیم و حضور ایرانیان تقدیم تادانجام وظیفه میهنی و تاریخی خود در زمینه های لازم برای بررسی و برداشتهای واقع بینانه در اختیارشان باشد با احترام و ارزوی پیروزی عبدالرحمن ۲۶ مهرماه ۱۳۶۷

در پنجم مهرماه همان سال ۱۳۶۷ سنگر، نامه ای به ولایتی وزیر خارجه رژیم غاصب نوشت که نامه مزبور در سنگر ۲۶+۳۳۲ هم درج شد ولی چون در آن نامه مطالبی بود که ممکن بود عراقیها و عوامل آنها در بین ایرانیان<sup>۱</sup> از آن استفاده کنند آن مطالب، در انعکاس به سنگر سیاه شد که قابل استفاده خوانندگان سنگر نباشد. در کنار آن اقدامات، سنگر تشکیل شورای نظارت بر مذاکرات صلح ایران و عراق را مطرح ساخت که مختصر آن از سنگر ۲۴+۳۳۲ چنین است:

### **باید شورای نظارت بر مذاکرات صلح تشکیل شود**

وظیفه همه ماست که تنها به نظاره کردن آتش بس و احتمالا مذاکرات صلح بین عراق و ایران اکتفا نکنیم بلکه بطور جدی و قاطعانه بخواهیم و میخواهیم که در فترت سیاسی، شورانی از افراد بصیر و مطلع که وابستگی به بیگانه بخصوص عراق رانداشته باشد بمنظور نظارت بر مذاکرات صلح و حفظ حقوق حقه و مشروع ایران، فی الفور تشکیل دهند و این شورا تمام دقایق مذاکرات و دخالت و وساطت کشورها و سازمان ملل را در امر صلح بین عراق و ایران زیر نظر گرفته و بموقع به تصمیمات، اظهارات و یا هر عملی که ممکن است متضمن تضییع حقوق حقه ایران و یا تاپایداری صلح گردد اعتراض نماید.

درست است که این شورا و همچنین افراد خارج از کشور از نظر حقوق سیاسی و حقوق بین الملل فاقد صلاحیت اند اما این قبیل اعتراضات و هشدارها و مقاومت ها علاوه بر ایفای وظیفه ملی، سازمان ملل و نمایندگان رژیم غاصب ایران را متوجه ساخته و در جانبداری از منافع عراق و یابی اعتنایی به منافع ایران تا حدودی به اعتدال خواهند رفت.

نماینده ای که از سوی رژیم غاصب در مذاکرات صلح شرکت میکند، امیرنظام (امیرکبیر) نیست که در جهت حفظ منافع ایران، دستور صدر اعظم وقت و شاه کشور را هم نادیده بگیرد و زیرماده ۱۰ قرارداد ارضروم نرود. نماینده جمهوری اسلامی یک بئره است که مطیع شیخی است که خود شیخ نوکر بیگانه و حاضر است تمام ایران را بدهد که یکروز بیشتر بماند.

<sup>۱</sup> - منظور نگارنده، مجاهدین خلق، کرد های کومله، عوامل نزدیک به بختیار و برخی از گویندگان رادیو تلویزیون ها که مدتها در عراق سر کرده بودند و از آنجا برنامه هایی پخش کرده اند. ح-ک

همین موقعیت حساس و بدبختی بزرگ است که بماحکم میکند هریک، یک امیرنظام باشیم و تشکیل چنین شورائی را بمنظور تمرکز فعالیت‌های ناسیونالیست‌های ایران در جهت حفظ حقوق حقه و مشروع ایران جدا خواستار شویم (مشروح در مقاله وساطت سنگر شماره ۲۴+۳۳۲)

## ۸- طرح تعقیب

در سال ۱۳۷۵ که مسئله ترور چند ایرانی و اتهام سران جمهوری اسلامی در دادگاه می‌کونوس آلمان مطرح بود فرصت مناسب دیگری پدید آمد که اتهامی سنگین و آماده و مستند به شهود و اقرار ترور علیه جمهوری اسلامی در دادگاه آمریکا شکل گیرد اجمال قضیه این‌که:

آقای علی طباطبائی در سال ۱۹۸۰ بوسیله یک سیاهپوست مسلمان شده تابع آمریکا ترور میشود و قاتل آن که نام اصلی او **David Theodore Belfield** است با نام داوود صلاح الدین Dawud Salahuddin می‌گریزد و به ایران می‌رود. آقای دیوید اتاوی خبرنگار واشنگتن پست به تهران می‌رود و با قاتل طباطبائی ملاقات و مصاحبه میکند و متن مصاحبه او را واشنگتن پست منتشر میکند و ایرانی‌گرایی آقای دکتر مسعود انصاری مصاحبه را فارسی برگردان و در مجله «پر» بتاريخ ۱۳ آبان‌ماه سال ۱۳۷۵ چاپ میشود. متن فارسی مصاحبه مزبور در سنگراول دیماه سال ۱۳۷۵ درج است.

داوود صلاح الدین آمریکائی قاتل طباطبائی بطور دقیق و روشن کیفیت ماموریت خود را برای ترور علی طباطبائی و رابطین و ماموریتی که از سوی دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی داشته است در آن مصاحبه بیان میکند.

طرح تعقیب بر این پایه تدوین شده بود که باتشریک مساعی رسانه‌های گروهی و بیشتر دبیرخانه موضوع تعقیب صلاح الدین بوسیله دادستان آمریکا بجریان بیفتد که در آن جریان نقش جمهوری اسلامی در ترور، خاصه ترور ایرانیان بوضوح آشکار میشد و این یکی از دستاوردهای بسیار با ارزش مبارزاتی و جلب توجه جهانیان به ماهیت حکومت جمهوری اسلامی بود و این پرونده میتواندست با پرونده اتهامی می‌کونوس سنگینی اتهام و تبه‌کاری را غیر قابل تحمل برای جهانیان سازد و اساسا پرونده متهم با پیوست سابقه با راحتی در مسیر حکم قرار می‌گیرد.

مشروح طرح و مشکلات و ره آورد های آن در همان سنگر پیاده شده است.

کوچکترین مانع حقوقی برای تعقیب طرح دیده نمیشد یک آمریکائی در کشوری که کشورش مدعی پرچمداری مبارزه با ترور است یک ایرانی را ترور کرده و به ایران گریخته و نزد خبرنگار بزرگترین روزنامه آمریکا اعتراف به عمل ترور و وابستگی ترور به دستور جمهوری اسلامی کرده هم دستگیری آن بوسیله پلیس بین المللی و هم محاکمه او در آمریکا یک امر ساده ای است.

طرح تعقیب برای روزنامه کیهان لندن - رادیو صدای ایران و روزنامه صبح ایران و عصر امروز ارسال شد و چون کیهان لندن نوشته بود که شخصی بنام آقای پرویز دستمالچی قدم به قدم جریان دادگاه می‌کونوس را دنبال میکنند ضمن نامه ای از کیهان لندن خواستم که آقای دستمالچی را در جریان طرح تعقیب بگذارند که ایشان جریان را به دادستان پرونده می‌کونوس اطلاع بدهد.

با آنکه جریان دادگاه می‌کونوس آلمان سخت مورد توجه جراند فارسی لوس آنجلس قرار گرفت و صبح ایران و عصر امروز پیشنهاد تشکیل شورائی برای استفاده از جریان محاکمه می‌کونوس را علیه جمهوری اسلامی مطرح کردند ولی به طرح تعقیب با آنکه کتبا از آنها درخواست توجه شد کوچکترین توجهی نکردند.

عجیب اینجا بود که با آنکه اعلیحضرت به دادگاه می‌کونوس و پیشرفت آن ملاحظه دائم و توجه خاص داشتند طرح تعقیب هرگز مفتخر به توجه ایشان نگردید، این بی توجهی در شرائطی بود که سنگر ضمن نامه ای زیر عنوان استدعا از اعلیحضرت رضاشاه دوم نوشت:



از اعلیحضرت همایونی استدعاً میشود طرح تعقیب قاتل طباطبائی راتانید و تقویت بفرمایند  
و اگر جسارت نباشد راساً فردی رامامور انجام این مهم بنمایند (صفحه نهم همان سنگر)

و در همان سنگر صفحه دهم زیر عنوان تصدی طرح این درخواست مطرح شده است:

امید است یکی از سازمان ها و یا تشریفات و یا شخصیت های سیاسی تصدی اجرای این طرح  
را متقبل شوند. این سرباز اگر چنین استدعائی دارد و مانند طرح اعلام عام و یا طرح پشتیبانی  
به تصدی این طرح مفتخر نمیگردد، بدان علت است که واقعا و برآستی که این سرباز تمام  
شده است و کهنوت و آثار سنگین آن امکان تصدی این طرح را آنهم در آمریکا به این  
سرباز نمیدهد.

سگ تازی که آهوگیر گردد      بگیرد آهویش چون پیرگردد

در رابطه با کیفیت برخورد ایرانیان خارج از کشور با طرح تعقیب همین اشاره کافی است که دوسازمان مبارزاتی یعنی مشعل  
و جاشا به انتشار طرح مبادرت کردند به این امید که به فراگیری طرح کمک شده باشد.

آقای سیاوش لشگری چندی قبل در مقاله ای مبارزه رابه قبرستان تشبیه کرده بودند تشبیه ایشان کاملا در برخورد طرح  
با مبارزه صورت عملی خود رانشان داد، زیرا که در قبرستان هرچه فریاد کنی مرده ای حرکت نخواهد کرد و بقول سخن  
منتسب به استالین <شاف درمقعد چه سود است مرده ای>

ایرانیارگرمی آقای پیروز (نام مستعار) که اشعار میهنی میسرودند و برای سنگرمیفرستادند بمناسبت برخورد جامعه برون  
مرزی با طرح مزبور چند بیت شعر فرستادند که یک بیت آن برای نمونه به اینجا آورده میشود:

از چه همچون مردگان افتاده ای از جنب و جوش      از چه فریاد وطنخواهان ترا ناید بگوش

گزارش طرح تعقیب در سنگر ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۶ درج است.

## ۹- طرح اتهام

مقدمه - به یقین میتوان گفت که در طول تاریخ، هیچ پادشاهی همانند شاهنشاه ایران هدف اتهامات نبوده است. این  
اتهامات نه فقط از دشمنان شاه و شاهنشاهی ایران بلکه از کسانی نیز منشاء یافته که در خدمت شاهنشاه ورژیم  
سلطنتی و دولت ایران پادشاهی بوده اند.

مهمترین و شکننده ترین اتهاماتی که متوجه شاهنشاه ایران شده است نادیده گرفتن وزیرپا گذاشتن قانون اساسی و  
متمم آن است و این اتهام که بوسیله برخی از شخصیت های دست اندرکار رژیم سلطنتی ایران آبیاری شده و با  
انتشار کتب و مقالاتی این اتهام را متوجه شاهنشاه ایران کردند چنان باوری بوجود آورد که شهریار ایران هم  
شاهنشاه ایران رابه نادیده گرفتن قانون اساسی متهم ساختند.

کسانی چون آقاییان هوشنگ نهاوندی - شاپور بختیار - ابراهیم همایونفر - دها - عباس میلانی - فریدون هویدا و نورمحمد  
عسگری رامیتوان نمونه آورد که در ورود چنین اتهامی به شاهنشاه، سلسله جنبان بوده اند.

• اتهام زیرپا گذاشتن قانون اساسی از طرف شاه، اتهام کوچکی نیست اثبات آن مشروعیت سلطنت پادشاه  
را زیر سوال میبرد و همان است که آخوند قمی برای اولین بار آنرا در مصاحبه ای در سال ۵۷ ادعا کرد .....

باری - سنگردرهموردی که از چنین اتهامی یعنی توجه دادن اتهام شکستن قانون اساسی به شاهنشاه مطلع شده  
بوسیله نامه و فکس از مدعی درخواست محترمانه شده که مواردی که مدعی است شاهنشاه برخلاف قانون اساسی عمل  
کرده و یاقانون اساسی رانقض کرده اعلام دارند حتی در این مورد نامه ای حضور اعلیحضرت تقدیم گردید که بنظر ایشان

موردی که شاهنشاه ایران نقض قانون اساسی کرده اند کدام موارد است (متن نامه مزبور در سنگرها دوبار آورده شده است)

از میان نامه های ارسالی به مدعیان که جمعا ۱۲ عدد بوده است هیچیک از مدعیان حاضر به ارائه مورد ادعای خود نشدند حتی آقای نورمحمد عسگری نویسنده کتاب شاه - مصدق - سپهبدزاهدی.

## ۱۰- طرح اتهام

دعوت به تبدیل لوایح برای اثبات و یارد اتهام نقض قانون اساسی مشروطیت از طرف شاهنشاه اهمیت بسیار سنگین اتهام نقض قانون اساسی مشروطیت توسط شاهنشاه ایران تمامی اتهاماتی را که مخالفین سلطنت به شاهنشاه ایران زده و میزنند تحت الشعاع قرار داده است ..... بسیاری از اتهامات از قبیل ثروت ۲۰ میلیارد دلاری و امثال آنها به باطل بودن ادعای مدعیان منجر شده است و در واقع میتوان گفت تنها اتهامی با آنکه حاز اهمیت بسیار، بسیار است از محط<sup>۲</sup> رسیدگی به دور مانده و همچنان آتش این اتهام فزونی مییابد.

سنگر پیشنهاد و آمادگی خود را اعلام میدارد که از طریق تبدیل لوایح و انتشار آن در سنگر و یاه روزنامه ای در خارج از کشور از مقتریان به شاهنشاه ایران دعوت شود که موارد اتهام نقض قانون اساسی توسط شاهنشاه ایران رامستدل و مشروح اعلام دارند و سنگر در تبدیل لایحه آنرا پاسخگونی خواهد کرد و قضاوت خوانندگان آن لوایح پاسخگویی این اتهام است.

تبدیل لوایح که پیشنهاد سنگر است نزدیک ترین طریقی است که آئین دادرسی مدنی برای اثبات و یابطلان ادعا خواهان و یا خواننده مقرر کرده است و قضاوت دادگاه پایان گفتگوهاست. بنابراین پیشنهاد سنگر تنها با این تغییر و روبروست که بجای دادگاه، قضاوت خوانندگان لوایح ملاک حکم خواهد بود.

سنگر این تعهد را تقدیم میدارد که تمامی ادعای مدعیان نقض قانون اساسی توسط شاهنشاه ایران و مدافعاتی که در رد آن ادعا ها خواهد شد را چاپ و بصورت کتاب و یارساله ای در دسترس اهل تحقیق قرار دهد ..... (مشروح طرح و ضمانت آن در سنگراول شهریور ماه سال ۱۳۸۶ بشماره ۴۷۸+۳۳۲ ثبت است)

## ۱۱- طرح راهی به سوی امنیت جهانی

پس از انتشار رساله (راهی به سوی پیروزی) یکی از همکاران حقوقی داخل کشور پیشنهاد کرد که رساله مزبور خوبست که به انگلیسی تهیه و برای شخصیت های دست اندرکار مسائل جهانی فرستاده شود. موضوع رساله، اثبات اینکه جمهوری اسلامی نمیتواند عضویت سازمان ملل متحد را داشته باشد و سازمان مکلف است تا تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی و تطبیق آن با منشور سازمان ملل عضویت جمهوری اسلامی را در سازمان معلق سازد.

به ترتیب پیشنهادی آن همکار حقوقی، رساله مزبور با تغییرات لازم به انگلیسی تهیه گردید و برای ارسال آنها برای شخصیت های خارجی سنگر دچار مشکل نشانیها گردید. قبلا با دبیرخانه اعلیحضرت گفتگو شد و دبیرخانه قول داد که نشانی ها در اختیار سنگر قرار خواهد گرفت متاسفانه به این وعده وفاتشد و مفصل موضوع که بسیار جای تاسف است در سنگر شماره ۳۸۲+۳۳۲ مورخ ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۸۲ بیان گردید.

تاسف بیشتر از اینکه اعلیحضرت کرارخواستار این بوده اند که وضعیت جمهوری اسلامی به اطلاع خارجیان رسانده شود. طرح راهی بسوی امنیت جهانی تشریح و ثابت میکرد که قانون اساسی جمهوری اسلامی خلاف منشور سازمان ملل

۲- محط. [م ح ط] [ع ا] منزل. (منتهی الارب). موضع و منزل. (ناظم الاطباء). جای فرود آمدن. محل فرود آمدن: چون از مهبط رحم به محط... برگرفته از لغت نامه دهخدا - ح-ک

متحدواعلامیه جهانی حقوق بشر است و استدلال شد که بمناسبت تعارض قانون اساسی جمهوری اسلامی بامنشورسازمان ملل و اینکه دفترحقوقی سازمان ملل مکلف است قانون اساسی کشورهای عضو ویا متقاضی عضویت در سازمان را بازرسی و در صورتیکه مغایرتی با منشورسازمان ملل داشته باشد عضویت کشور متقاضی را معلق سازد تا قانون اساسی آن کشور هماهنگ با منشورسازمان ملل گردد و این همان چیزی بود که سرمنشاء خواست اعلیحضرت بشمار میرفت، حیرت مضاعف بدان جهت بروز کرد که بعد از قول مساعدی که دبیرخانه برای نشانی ها دادند دیگر هرچه رجوع کردم پاسخی نگرفتم و هنگامیکه خدمت خانم وفائی عرض کردم خانم این یک کارمبارزاتی است درخواست شخصی نیست که به آن بی اعتنائی میشود ایشان هم باتغییر به اینکه من تنها هستم و کارهم زیاد است فرمودند <اگر به دبیرخانه معترض هستید چراتلفن میکنید>

باری بایاس از دبیرخانه به روزنامه کیهان و صبح امروز آقای قاضی سعید مراجعه و با ارسال یک نسخه فارسی از طرح مزبور تقاضای یاری برای آدرسها شدم که آنها نیز اعتنائی نکردند .....

قضیه خیلی مفصل از آنچه می‌خواهم عرض شد تا نخوانی ندانی (سنگر ۳۸۲+۳۳۲)

برخلاف کیهان لندن و روزنامه های فارسی لوس آنجلس ایرانیان به تمام معنا مساعدت کردند تیمسار سپهبد خسروانی و آقای نیا از لندن بفوریت تمام نام و نشانی کامل شخصیت های سیاسی و مطبوعاتی انگلستان را به سنگر فرستادند .... آقای بدرالدین دینی علاوه بر اینکه بفاصله ۲۴ ساعت نام و نشانی شخصیت های آلمان را به سنگر فکس کردند پیشنهاد دادند که جزوه ها را مستقیما خودشان برای آن شخصیت ها پست کنند که کمکی به هزینه های پستی سنگر باشد. آقای گیو بگدلی نشانی مطبوعات و شخصیت های هلند. آقای محمد ل نام شخصیت های سیاسی سوئد و آقای سلمان (نام مستعار) نام شخصیت های اتاوا را به سنگر فکس کردند.

از آنجاکه در بین نشانی های دریافتی نشانی آقای کنت تیمرمن و دکتر سهراب سبحانی نبود، علیرغم بی اعتنائی دبیرخانه سه نسخه از رساله مزبور را به دبیرخانه ضمن نامه ای ارسال داشتم و درخواست کردم که دو نسخه برای آقایان تیمرمن و سبحانی پست شود و یک نسخه هم برای آرشیو دبیرخانه است.

در گفتگوی تلفنی مورخ ۱۴ خرداد که با آقای دبیر اعظم (!!) (آقای کامران بیگی) داشتم سوال کردم آیا جزوات آقایان تیمرمن و سبحانی پست شده است در کمال تعجب باین جواب روبرو شدم که (مگر ما پست خانه هستیم) وقتی گفتم که آقای تیمرمن سالهاست بادبیرخانه همکاری دارد چگونه است که نشانی آنرا ندارید ایشان گفتند <ما دبیرخانه هستیم سازمان اطلاعات نیستیم> بلافاصله فکسی از دبیرخانه بتاریخ ۱۶ خرداد رسید که سه نسخه رساله رسیده بود باین تذکره نشانی گیرندگان دوجزوه دیگر در دبیرخانه موجود نیست. (فتوکپی نامه مزبور درج در همان سنگراست)

باری نشانی آقای تیمرمن هم بوسیله ایرانیاری به سنگر رسید و بنده نشانی مزبور را ضمیمه نامه ای برای آقای بیگی فرستادم و نوشتم <نشانی آقای تیمرمن باستحضار رسانده میشود تا چنانچه مبارزی همسویی و همکاری دبیرخانه را مستدعی گردید باین پاسخ دبیرخانه <دبیرخانه که پست خانه نیست> و یا <ما دبیرخانه هستیم نه سازمان اطلاعات> مواجه نشود (از همان سنگر)

## گزارش اجرائی

از رساله مزبور ۱۲۰۰ نسخه چاپ و مجلد شد و برای کثیری از شخصیت های سیاسی کشورهای اروپایی و آمریکایی و کاندانی و مطبوعات آنکشورها و تمام نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد ارسال گردید. از انگلستان آقای تونی بلر (نخست وزیر وقت) و چند شخصیت دیگر از دریافت رساله مزبور تشکر کردند از ۳۹ نماینده پارلمان کانادا که برایشان ارسال رساله شده بود ۱۹ نفر آنها کتبا از دریافت رساله و تحقیقی که انجام شده اظهار مسرت کردند.

متن کلیه آن نامه ها که بنام امیرفیض - سنگر است در جزوه ای زیر عنوان «کمبود اساسی» درج و برای کلیه گیرندگان سنگر و کتابخانه ها و دبیرخانه و دفتر علیاحضرت ارسال گردید.

### چرا عنوان کمبود اساسی

جزوه کمبود اساسی در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۸۲ بشماره ۳۳۲+۳۴۹ منتشر شد وزیر عنوان کمبود اساسی نوشته شده بود (اول دلیل و بعد ادعا)

انگیزه تنظیم این جزوه مقایسه روابط عمومی شخصیت های خارجی با روابط عمومی دبیرخانه علیحضرت و ثابت کردن این مهم بوده است که **دبیرخانه علیحضرت فاقد روابط عمومی است** و این امر مهم در مبارزه علیحضرت گم است در آن جزوه مراتبی که نشان از هرج و مرج دبیرخانه است ارائه و همچنین نمونه هایی از اعتراضات ایرانیانی که از تالم هرج و مرج دبیرخانه و بی اعتنائی آن سهم برده اند نیز اشاره شده و این در حالی است که در فرمایشات علیحضرت میخوانیم: **«مطبوعات باید بدون ترس و رودربایستی انتقاد کنند»**

و در پایان جزوه مزبور، مختصرنوشته ای خطاب به علیحضرت است که باتفاق میخوانیم:

### کمبود اساسی

علیحضرت- علیرغم تمایل و اشتیاقی که دارند، در قضاوت عامه در موقعیت رهبری مبارزه قرار گرفته اند، موقعیتی که از چارچوب ضوابط آشنای مردم، انتظارات مردم و بالاخره سنت و نصوص قانونی خارج و متصل به میل و نظر علیحضرت است. کسیکه فرمان نافرمانی مدنی میدهد، کسیکه میگوید امروز فقط اتحاد، در نزد مردم فرمانده اصولاً و لیعهد بعد از شاه فرمانده است.

این چنین فرماندهی اگر روابط عمومی مستعد و کارساز نداشت، همانند آن است که در مقابل آئینه به خودش فرمان بدهد، کاربرد یک فرمانده با روابط عمومی است. کمبودی که سبب شده و میشود تا تلاشهای علیحضرت بی رسوب گردد، نداشتن روابط عمومی لایق، علاقمند و مسنول است.

علیحضرت برای موفقیت در همین محدوده ای که بنا بر تمایل خودشان ساخته اند، برای رفع مسنولیت های خیالی و برای حفظ اعتبار شخصی و خانواده و از همه مهمتر قضاوت تاریخ، نیاز به روابط عمومی معتقد، فعال و وفادار میباشند تا چه رسد به تحقق خواسته های والای علیحضرت در شاهراه آزادی ایران و برقراری دموکراسی و پیشرفت کشور

سنگر

با افتخار و اعتذار تقدیم شد

### **۱۲- طرح راه یابی در کنار همدردی**

بمناسبت فاجعه انفجار ساختمان دوقلوی نیویورک سنگر طرحی را عرضه نمود که با عنوان «راه یابی در کنار همدردی در تاریخ اول آبانماه ۱۳۸۰ انتشار یافت».

در پشت جلد این طرح نوشته شده است:

این لایحه که مفتخر به ملاحظه خوانندگان محترم است متضمن دو طرح است یکی طرح فوری در رابطه با فاجعه نیویورک که میتواند راه حلی برای تامین انتظار جامعه بشری در لزوم برخورد فوری با عاملین فاجعه مزبور باشد و دیگری طرحی است که میتواند نه

تنها تروریسم دولتی راریشه کن کند بلکه اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشرراهم  
فراگیرکند  
عبدالرحمن

## رساله ها و جزوات

### ۱- شاه و غرب

در آذرماه سال ۱۳۵۸ رساله ای تحت عنوان «شاه و غرب» تنظیم شد که ۴۱ تیر داخلی داشت، و موضوع آن مداخله کشورهای خارجی ( غرب ) علیه شاهنشاه ایران بود پشت جلد این رساله به اینجا آورده میشود.

ابهامات بزرگ تاریخ راروزنه های کوچک حقایق میشکافد و راستین صدای انسانها  
هرچند کوتاه و ضعیف باشد درپهنه سیاه نارسانیهای زمان، روشنگرحقایقی سترگ  
خواهد بود.

باگذشت زمان نسلهانی ازبرادران ماکه شکوفانی اقتصاد دیروز ایران را با نا باورپها و  
داستان ها بازگومیکنند، براوراق زرین تاریخ برای یابش رمزورموزآن نظام که سازنده  
و پرتلاش بود کاوشها وجستجوها خواهند کرد.

برنام مردی میرسند که کوششها کرد و آبادی ها پپاداشت و افتخارات افرید و اقلیتی از  
ملتش ویران کردند و برپاد دادند و بر خود احسن ها گفتند سپاس و درود ها نثارجاویدان  
نامش خواهند کرد و افسوس ها خواهند خورد.

دهم آذرماه ۱۳۵۸ به امیدبیداری ملت عبدالرحمن

رساله مزبور اولین رساله ای میشد که نویسنده آن با عنوان رساله مسنله دخالت و تدارک خارجیان را درشورش ۵۷ مطرح کرد.

**توضیح** - فرق بین رساله و کتاب آن است که در رساله، نویسنده خود را مقید به دفاع از آنچه نوشته است میدانند ولی در تنظیم کتاب جریان تعهد وجود ندارد (پایان توضیح)

رساله مزبور بتوجه والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی رسید به دستورایشان رساله به انگلیسی ترجمه و توسط دفترشان پخش گردید.

رساله «شاه و غرب» چندین نوبت از طرف ایرانیان با جلد های رنگ مختلف و نامهای از قبیل «غرب ویرانگر» «شاه و غرب» و «خیانت به ایران» «غرب و شاه ایران» چاپ و برایگان توزیع شد.

**توضیح** - متأسفانه در تاپ نسخه اصلی اشتباهی در نام جزیره موریس افتاد که در نسخ بعدو همچنین نسخه انگلیسی به آن توجه نشد.

### ۲- غارت ایران

در دهم بهمن ماه ۱۳۵۸ رساله غارت ایران در ۵۶ سرفصل داخلی برشته تحریر و پخش درآمد رساله مزبور با سخن زیر به میهن پرستان ایران تقدیم شده است:

این رساله رابه میهن پرستان ایران تقدیم میکنم. تابنگرند چگونه قومی نادان، افتخارات کشورش  
وراه سازندگی کشور را شناخت و ایران آباد رابه دشوارترین دوران زندگی اجتماعی و اقتصادی  
تاریخ فرورد  
سنگر

در تهیه این رساله، بتحقیق، فراکوششها داشته ام که حقایقی چند از گذشته دیروز و امروز ایران را از لابلای اسناد و منابع موجود در جهت شناخت حرکت این سیه روزی ایران ترسیم کنم.

برای تنظیم یک رساله که شان و مقام و موقعیت علمی را روایت کند، باید اندیشه گری بود پرمایه، بافکری منظم و دانش و ذهنی فرهیخته، که نقصان آن مواهب، مرا از افتخار عرضه اثری لایق و وارسته محروم ساخته است. کوشش شده است که این رساله از نظرگاه موضوع، با اختصار هر چه بیشتر همراه باشد و اگر کاست و افزونی بر آن وارد است باپوزش عمیق و تاسف من بدان بنگرید.

این رساله بازتاب تفکر و تعقل نیست بازگویی تکلیف و تکلفهاست که به ایران ببانددیشیم

و به نا آگاهان، آگاهی تقدیم کنیم

عاشقم عاشق، به ایرانم مرانعی مکن عاشقم عاشق خدایا عشق من ویران نکن

دهم بهمن ماه ۱۳۵۸ - یک ایرانی

در پشت جلد رساله مزبور این شعار بامعنی ثبت است:

غارت برای ماندن، اساس سنت اوست - کشتن برای وحشت دلیل قدرت اوست.

### ۳- زوزه کمونیست در ایران

رساله زوزه کمونیست در ایران در بیستم اسفند سال ۱۳۵۸ در ۱۸ سرفصل داخلی تنظیم و به ملت های آزاد جهان و به پادشاه ایران که به آزادی ملتش، به آزادی کشورش، و به آزادی همه مردم جهان می اندیشند تقدیم میشود عبدالرحمن بیستم اسفند ماه ۱۳۵۸

در مقدمه این رساله سخنی کوتاه آمده است که شاید حقیقت آن امروز یعنی بعد از ۳۲ سال معلوم شده باشد

#### سخنی کوتاه

مشکل است که برای کاربرگی، انسان کوچکی آغازه تلاش میکند. آنچه که این جسارت را بمن ایرانی ارزانی داشت، احترام به رسالتی است که برای آزادی ملت ایران، استقلال ایران و تجلی دائمی آرمانهای جاودانی تاریخ کهن ایران دارم. این رساله ادعا نامه ای علیه غرب و یالایحه دفاعی برای کمونیست جهانی نیست. این رساله تجسم پایانی است که همیشه آغازی دارد و گویای حقایقی است که به شنوا نیاز دارد.

این رساله بازتاب تعقل و تفکر است که نسیم دخالت های غرب در کشور ایران که آرامش و اقتصاد شکوفانی داشت شعله ای خواهد شد که دنیا در آتش اشتباه و دشمنی خود بسوزاند و باشد که زمان، بیداری را به ملت های خفته غرب تقدیم دارد که از آزادی نه نامی است و نه نشانی

### ۴- کتاب قضاوت

کتاب قضاوت مشتمل بر ۵ فصل است که از گفتگوی مجازی یک وکیل حقوقی با دادستان و قضاوت خوانندگان کتاب شکل گرفته است، وکیل که در نقش عبدالرحمن است با دلیل و برهان آیات قرآن و سنت و شهادت های تاریخی مدعی است که آنچه خمینی میکند و کرده است کاملاً اسلامی است این کتاب دارای ۲۳۳ سرفصل و موضوع مورد بحث است در بهمن ماه سال ۱۳۵۹ انتشار یافته است در مقدمه این کتاب بخشنامه ای گذاشته شده که مجدداً مرور میکنیم.

من آگاهم که این کتاب یارساله با اعتراض و مخالفت های گروهی، یاباتانید و افزایش دانستنی های گروهی دیگر و یا خشونت اقلیتی ناچیز روبروست.

من باین اعتقاد و توصیه که مهارت‌عصبات مذهبی و قدرت تحمل عقاید مخالف، یکنوع پارسانی و تقوا گری است این رساله رانوشته ام، نوشته ام زیرا این کارراگناهی درتحقیق راستی و حقیقت میدانم که آنچه باید به دیگران بفهمانیم، خود نفهمیم و اگر خود میفهمیم به دیگران نفهمانیم. این نوشته ای که بشما تقدیم میدارم رساله ای است شتابزاده که کوتاه فرصتی بنایش را بمن محول ساخت. اگر دراین اثر، اغلاطی یافتید که برزحمت خواندن شما افزوده ام - اگر سرکشی قلم راملاحظه کردید - اگر پروانی سخن رابه دوزخ انتظار خود دیدید، به صبوری و بزرگ منشی خودتان مرابخشید.

اعتراضات عقل گرایانه رامی پذیرم و درکمال فروتنی اعلام میکنم که هیچ اصراری و تعصبی درقبول مدافعاتم راندارم بلکه مشتاق نظرات و قضاوت دیگران هستم. از دیدگان جویای شما، جویش و دقت بسیار، و از افکار بیدار شما، انصاف و داوری طلب مینمایم. با آرزوی داوری خردمندانه شما عبدالرحمن

کتاب قضاوت ده هابار از سوی ایرانیان حتی آنها که مشترک سنگر نبودند چاپ و بخش شد از دوستان در ایران خبر شدم که کتاب در ایران هم تجدید چاپ شده و بوسیله پاسداران به افراد محل اعتماد بمبلغ ۵۰۰ تومان فروخته میشود.

در فصل آخرین کتاب بنام آخرین سخن خطاب به آقایان قضات (خوانندگان کتاب) سخنی است که بخشی از آن میتواند صفای لازم رابه این نوشته بدهد.

آقایان قضات دادگاه - با اعتذار از طولانی شدن عرایض خواهش دارم موارد تطبیقی مدافعاتم رابه آزمایشگاه فکری خود بکشید و استوار و دلیرانه قاصد این پیام و اعلام باشید که در صورت ادامه حیات حاکمیت اسلام اجرایی در جامعه ایران تحت فرماندهی و مسنولیت این ابلیس و یاهر فرد دیگری اثری از ایران و ایرانیت، ملت و ملیت، آزادی و انسانیت، رحم و عدالت، کار و فعالیت، آسایش و امنیت، مردانگی و مروت، اخلاق، اصالت و پیشرفت و مدنیت باقی نخواهد ماند .....

آقایان قضات - به ندای تجربیات تلخی که سیل مهیب خون میهن پرستان ایران براه انداخته است عنایت بفرمائید اگر به ضدا سلامی بودن اعمال این ابلیسان اصدار<sup>۳</sup> رای و عقیده نمائید و بین ماهیت اعمال این ناکسان حاکم و قوانین اجرایی و حاکمیتی اسلام قائل به جدائی و تفاوت بشوید، ریشه تعصب، ریشه فساد، ریشه جهل، ریشه ارتجاع، ریشه بی وطنی، ریشه خرافات و ریشه عقب ماندگی را آبیاری و حفاظت کرده اید .....

## ۵- سلطنت مردمی

رساله سلطنت مردمی با ۶۰ سرفصل داخلی در بیستم تیرماه سال ۱۳۵۹ چاپ و پخش گردید انگیزه تنظیم این رساله نخست برداشتهای نادرستی بود که از قانون اساسی مشروطه میشد، آنهم از طرف کسانی که خود را حامی و طرفدار قانون اساسی میدانستند که معلوم بود که قانون اساسی کشورشان راهم نمیدانند، دوم اینکه ادعای انتظاراتی از شاهنشاه داشتند که باز معلوم بود که از مقام قانونی سلطنت آنچه که خود میل دارند انتظار دارند.

این مهمات سبب شد که رساله مزبور تنظیم و با استقبال بسیاری روبرو شد و چندین نوبت از طرف سازمان های مبارزاتی تجدید چاپ گردید در مقدمه این رساله نوشته ای تحت عنوان باور نامه گذارده شده که مرور مجدد میکنیم:

برای آنها سخن میگویم که بتداوم قانون اساسی مشروطه ایران سخت باور، و راستین مؤمنند و در این مسیر هیجان خورده تاریخ، برای بقاء و استمرار این قانون میکوشند و میجنگند بر این مهم قاصدم و اعتقاد مستحکم خود رابه شما تقدیم میکنم که اگر قانون اساسی ایران پادشاهی کما هو حقه اجرا گردد، عالیترین تجلی دموکراسی را برای ملت خود داشته ایم.

۳ - اصدار. [ ا ] ( ا خ ) مراد از آن صدور وادی است - لغت نامه دهخدا - ح-ک



اینکه باورهایم رابه مدافعين قدرتمند قانون اساسی مشروطه ایران پادشاهی تقدیم میدارم، چشم آن دارم که بحق، به سخن آیند وشجاعانه وحکیمانه، بیدادهای فکری براین قانون را محکوم کنند وتضمین نمایند که بر یاسای ایران زمین، فقط قانون اساس مشروطه ونظام شاهنشاهی ایران خواهد درخشید.

این حتم صادق رابی باکتر از همیشه بیان میکنم وآنقدر مبارزه خواهیم کرد تا آنها که به یاس و حرمان اسیرند، دگرروزبشارت حیات ابدی ایران پادشاهی راخود به ارمغان آورند. با تشکروامید به پیروزی -

سرباز کوچک ایران شاهنشاهی - عبدالرحمن

## ۶- ابلیس فقیه - ابلیس ابالیس

رساله ابلیس فقیه دراول خرداد ماه سال ۱۳۵۹ حاوی ۹۷ فهرست موضوعی منتشرشد. همانطورکه نام رساله گویاست، بحث رساله متوجه بی اعتباری ولایت فقیه است.

درپشت جلد این رساله حدیثی نقل شده که بسیاربامعنی است، آن حدیث چنین است:

مردم لاله الا الله بگویند، رستگارمیشوید  
عرب رابه حکومت میرسانید وعجم راخوارمیگردانید

درمقدمه رساله <باورنامه ای> درج است که مرور آن به این گزارش مربوط میشود:

## باورنامه

من (بخوانید این رساله) بطلان اعتقاد فکری بحکومت اسلامی رابه اثبات میکشد وهمه ی مفروضات خمینی رادرتصنیف بهم بافته <تزو لایت فقیه> درهم میکوبد. این نحوه تفکروعوام گرانی راکه قوانین شرع، اکمل برنیازات جامعه است وپرون ازداننده آن قوانین هیچ حکمی وقانونی چاره ساز جامعه بشری نخواهد بود، محکوم به سفاهت میکند.

این رسالت، تحفه خاقان قم رابه اسارت فکری محکوم میکند وبه ذلیلی ورسوائی آن کمرمی بندد.

این رساله، قالب تنگ احکام اسلامی حکومتی رادرقلمرو نیازتکاملی جامعه سست وشکسته میداند وباهمین اعتقاد، باتقدیم احترام وایمان به اسلام تهنیدی، اسلام حکومتی رابا اراده جامه قابل تغییر میداند ..... برای شناخت وتجلی این رساله، پسندیده نیست که فقط نوشته هارابخوانید وصفحات را باتگاه ورق بزنید خواهش دارم موضوع رابه اندیشه و دانش خود بسپارید ودادگرانه بقضاوت بنشینید.

باتشکروسپاس از فرصتی که صرف مطالعه وامعان نظردراین رساله خواهید

فرمود

عبدالرحمن اول خرداد ماه ۱۳۵۹

دربخش آخرین رساله باب مسئولیت خمینی بمیان آمده واینطور نوشته شده است.

یک رهبروقتی متهم است که برخلاف برنامه های ارانه شده اش عمل کند - خمینی از نظر نفس اعمالی که مرتکب شده درعرض یک جنایتکارقراردارد ولی آثاروخساراتی که برنامه های اوپه ملت وكشور ایران ازهرجهت وهریابت وارد ساخته است اومسئولیتی ندارد. مسئولیت همه این ننگها وخیانتها وكشتارها وویرانی ها وشکستهای اقتصادی راباید در نیروی شناخت وسازشکاری رهبران خود ساخته سیاسی پرمدها جستجو کرد که اجازه حرکت این افسانه تشیع حکومتی

را آگاهانه و یا ناخودآگاه در جامعه ایران تائید کردند و باتمام قدرت و استفاده از امکانات، حیات و ادامه این قدرت و ویرانگر را تضمین و حمایت کردند.

رساله مزبور باین جمله پایان یافته است:

«چه درد بزرگی است درد ایران، که در قلب سرد ملت ایران، از آتش سوختن پیشرفتهای ایران مأوا گرفته است»

بآرزوی بیداری ملت - عبدالرحمن

#### ۷- خدمت یا خیانت دکتر شاپور بختیار

آقای بختیار پس از خروج از ایران، در باشگاه مطبوعات فرانسه مصاحبه ای داشت بانمایندگان جراند فرانسه و آمریکا که بتاريخ بیستم سپتامبر ۱۹۷۹ (مهرماه سال ۱۳۵۹) انجام شد، بختیار در آن مصاحبه مطالبی را اظهار داشت که بهیچوجه تصورش ممکن نبود.

سنگر در رابطه بامصاحبه ایشان، نقد و تجزیه تحلیل آن مصاحبه را لازم دانست و جزوه (خدمت و یا خیانت) را نوشت این جزوه حاوی ۲۹ موضوع مصاحبه است روزنامه پست ایران که در لندن منتشر میشد بخشی از جزوه خدمت یا خیانت را منتشر و اظهار نظر کرد که «بختیار با رسوائی بزرگی در این جزوه روپوشده است»

#### ۸- منتظر التمجید

این جزوه که متأسفانه نسخه ای از آن رانیافتم بمناسبت اینکه بختیار در مصاحبه ای در فرانسه گفته بود «دوسوم آنچه خمینی میخواست من انجام دادم و انتظار تمجید را داشتم.....» در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۸ نوشته شد. در مجله اخبار ایران کوشش بعمل آمده بود که بختیار را رهبر اپوزیسیون معرفی کند. سنگر با انتشار جزوه ای زیر نام سکه قلب، در ۱۵ سرفصل در تاریخ بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۵۹ اثبات کرد که بختیار سکه قلبی است که قابل تحویل گرفتن نیست.

#### ۹- جزوه هیچ

در اواسط سال ۱۳۵۸ جزوه ای بنام «مبانی اندیشه های سیاسی و برنامه های اجرایی بختیار منتشر گردید» مطالب جزوه مزبور لازم ساخت که مورد نقد و بررسی قرار گیرد سنگر جزوه ای زیر نام (هیچ = یعنی سخن گفتی ولی هیچ نگفتی) جزوه هیچ در ۱۳ سرفصل داخلی بتاريخ دیماه ۱۳۵۸ انتشار داد.

از آنجا که بختیار گفته بود: «من امکان داشتم جلوی آمدن خمینی را بگیرم ولی این کار را نکردم» در پشت جلد و صفحه آخر جزوه مزبور این جمله خطاب به بختیار ثبت است:

آقای بختیار

چه ایران قشنگی تحویل چه مردم زشتی شد.

تو که امکان داشتی که ایرانم راندهی چرادی؟ ای کاش جان همه ما را میدادی

و ایران را میدادی

#### ۱۰- رساله او چنین بود

این رساله در پنجم مرداد ماه ۱۳۶۱ با ۸۰ موضوع منتشر و پخش گردید این رساله بمناسبت دومین سالگرد درگذشت شاهنشاه ایران تنظیم و پروان شاد آن بزرگ شاهنشاه ایران سازتقدیم گردید. شاهنشاهی که هرگز کسی چون او پاک و سربلند نزیست و سرافراز و خدمتگذار ترک دنیا نگفت ...

این رساله دیدگاه های شاهنشاه رازدین و مذهب همان نشان میدهد که ملت ایران در طول اعصار و قرون به آن باور بسته بود در راه تکوین آن، احترام و ایمان خود را تقدیم میداشته است. شاهنشاه و مردم، اسلام را بدان معنی یافته بودند که اسلام دستورات خداوند است و خدا را عادل و مهربان و رحیم و ودود میدانستند و هرگز خدا را به معنای قهار و انتقامجو نمشناختند.

شاهنشاه و مردم، اسلام را بدان معنی یافته بودند که ملیت را میگراید، استقلال وطن را میستاید و موهبت دین و پادشاهی توامان، قوام و هستی ملت را بهم تنیده و تاپایان جهان به این پیوند و پیوستگی حیات میبخشد، چنانکه در ادبیات ما ایرانیان این برداشت پیاده شده است.

بود دین و شاهی چو تن یاروان بدین هردو آن پادار د جهان .....

شاهنشاه و مردم، اسلام را بدان معنی یافته بودند که:

حکم اسلام، بدی ها را نهی و تجاوز و خشونت را دم و آدمکشی را منع کرده است و هر کس که مسلمان است و یا حشرونشری با اسلام دارد از چنین اعمال تنفر دارد.

.....

شاهنشاه و مردم، اسلام را بدان معنی یافته بودند که:

پادشاه با تاج معنویت ملی و مذهب با فلسفه روحانی در یک پیوستگی ابدی به عظمت و شکوه ایران و ایرانی میانداشند و سر بلندی و به روزی ملت و وطن را آرمان دائمی خود میدانند و در پیکار با فقر و بی ملیتی و جهان وطنی یک اعتقاد هماهنگ و یک نیروی واحدند و این دنیروی جسمانی و روحانی که یکی برابر آن و دیگری بر قلوب حکومت دارند، هر دو میکوشند تا جامعه ایران را در راه ترقی و تعالی به نیروی اخلاق مسلح نموده و آهنگ حرکت را سریع و پرتوان سازند. در فرمایشات شاهنشاه، بارقه این اعتقادات و شناخت از اسلام را قویا می بینیم، می بینیم که شاهنشاه حرمت دین و مذهب را در حد عالی، و خدمت در راه بزرگداشت فرائض مذهبی را رکنی برای بقای جامعه ایرانی میدانستند. می بینیم که او از دین و مذهب، برداشتهای مترقیانه داشت و عقیده مند بود که باید با بکارگیری معنویت اسلام، پایه های تهذیب اخلاق عمومی را استوار و توجه به مبانی آدمیت راهمه گیر ساخت.

می بینیم که او مصمم بود، جامعه را متناسب نیاز، از قوانین حقوقی مدرن سیراب و راه ترقی و شکوفایی جامعه را از خمودی فکر و ارتجاع و عقب ماندگی مذهب پاکسازی کند.

از آنجا که، گفتار آدا کننده پندار، و کردار، نشان دهنده نیت نیست و از آنجا که پندار و کردار (قصد و عمل) ارزشمندترین هستند و دلیل در احراز اصالت و حقیقت است لذا، برای شناخت دیدگاههای شاهنشاه از دین و مذهب این رساله به دویخش گفتارها و کردارها، به آدین میشود و در پایان یک مسئله مهم را به دید پردقت شما مفتخر میسازیم.

### آزمونگاهی که کار نکرد

آری - او چنین بود و چنان گرد. او چه میتواندست بیش از آنچه کرد برای اسلام و مذهب بکند؟ و ملاها چه میتوانندست بیش از آن همه زشتی ها که بر او کردند بکنند؟ کیست که بتواند آنچه او برای مذهب و دین کرد بکند؟ کیست که بتواند آنچه ملا با او کرد با کسی بکند؟

\*\*

بحقیقت که زندگی درس است و تجربیات آزمونگاهی بزرگ برای تصرف کامروانیها باش که بی اعتنا نباشی ک مدار جهان، به دار انسان هاست و انسان ها از انسان هاخوی انسانی میگیرند. گاه خوی درندگی و گاه خوی مهربانی. انکس محظوظ و محظوظ است که بادرندگان نیامیزد و درندگان را سرکوب کند و سازش بین انسان را بادرندگان برگمان و حدس سوار نکند و این امر را ممکن نشمارد و توهم زیستی با آنان را از خود بزاید.

روا این باشد که انسان به روایا یا ناروا های ملایان دل نبدد که اعتماد بر آنان، اعتماد بر افعی است با هزار آن سروربان، که گاه خفته و گاه بیدار است هوشمند، آن باشد ک کوبنده سر همه انها باشد که انها یک جانورند با سرهای بیشمار. انها خفته و بیدارشان یک خوف دارند، خوفی که در گذشته تصور آن ممکن نبود و یاحداقل بود ولی باوری نبود.

عبدالرحمن

## ۱۱- رساله هدیه شاهان

در تاریخ کشور ما پنجم مردادماه سال ۱۳۵۹ شب تباهی ایران است شبی است که ایران روشن خاموش و تاریک شد. آن شب، پادشاهی که ستون فقرات وحدت ملی و وطن مابود فروشکست و باز ایستاد آن شب سیاه، پادشاهی که یک تنه برای رفاه جامعه ایرانی میجوشید تا ۳۶ میلیون ایرانی را در راه سعادت بتازاند و سر بلند و با غرور زندگی کنند، امیدش رفت، قلبش ایستاد و روحش به خدای ایران پیوست. آن شب به ظاهر پادشاه ایران مرد ولی آن شب حقیقتا ایران مُرد.

بمناسبت سالگرد درگذشت شاهنشاه ایران، نیت چنان آمد که دانه هانی از آنهمه فرزانی که آن شهریار بر ایران ما کرامت کرده و کمتر به دید گروهی از مردمان گرانیده است در این رساله گذاشته شود و آنرا نقدیم مردم واقع بین و روشنفکر بنمائیم بدین سان، با کوچکی تمام ولی با عظمتی از غرور ایرانی و اعتقاد به نظام پادشاهی، خود را شایسته آن بدانیم که بگوئیم <پادشاهها روانت شاد>

این رساله بمناسبت یکمین سال درگذشت شاهنشاه آریامهر در تاریخ اول مرداد ماه سال ۱۳۶۰ در ۸۲ سرفصل داخلی با جلد براق و علامت سلطنتی ایران چاپ و بر ایگان پخش شد و چون احصاء و شرح خدمات شاهان پهلوی در این مختصر حق مطلب را ادا نمیکرد قرار فکر بر این افتاد که تنها به دو کرامت آن دو پادشاه تحت عنوان هدیه به ایران یاد شود.

در صفحه پنجم این رساله زیر عنوان چه میگوئیم آمده است:

این کتاب را گشوده ایم که از خدماتی بزرگ سخن بگوئیم و نشان دهیم که خوزستانی که امروز شاهرگ حیات اقتصادی و وطن ماست به همت رضاشاه بزرگ از راه جدانی از امام و وطن به وطن بازگشت و همچنین آذربایجان که میرفت برای ابد از ایران جدا گردد به همت شاهنشاه ایران، به ایران پیوست ابدی شد.

(رساله هدیه شاهان سالها بعد در روزنامه سام لندن بنام شخصی که در هلند اقامت داشت و خود را سخنگوی ایرانیان هلند مینامید چاپ گردید)

## ۱۲- ملی و ارتش شاهنشاهی

رساله ملی و ارتش شاهنشاهی در اول آبانماه سال ۱۳۶۰ بمناسبت آغاز دومین سال سلطنت اعلیحضرت رضاپهلوی (دوم) پادشاه ایران به افسران و درجه داران ارتش شاهنشاهی ایران تقدیم میگردد عبدالرحمن اول آبان ۱۳۶۰ رساله مزبور در ۵۸ فصل داخلی تنظیم و انگیزه آن این بود که در سال ۶۰ و ماقبل آن از سوی سرتیپ معین زاده که روزنامه «آرا» را داشت و همتهای او تلاش میشد که عنوان شاهنشاهی را از ارتش ساقط و نام ملی را بر آن بگذارند اولین تلاش در این راه بوسیله سپهبد مهدی روحانی در مقاله ای در پست ایران شماره ۲۳ سال ۱۳۵۹ انجام شد و جالب این بود که زیرمقاله هم نوشته بود سپهبد روحانی افسر ارتش شاهنشاهی.

در پایان رساله مزبور نوشته ای است زیر عنوان <ایران بدون شاه ایران نیست> که میخوانیم:

این الزام تاریخ است که باید نیروی آفرینندگی شاه درنظم پرخاشگرانه ای که برای رهنائی ملت و ایران تدارک شده است برتارک همه فرمان ها باشد. این حکم ایران است که پیشتازی ارتش شاهنشاهی ایران دراین رسالت تاریخی، آنگاه ممکن و پیروز سازاست که فرماندهی شهریارایران برارتش، قهرمانانه بدرخشد که تنها این فرماندهی است که غیرتها رامیخروشانند، وحدت ویگانگی میآفریند، امید هارامیسازد و رستاخیزی که سزاوارملت بزرگ ایران است بپا میدارد.

سرباز کوچک ایران پادشاهی - عبدالرحمن

### ۱۳- سلطنت و مسئولیت

رساله سلطنت و مسئولیت بمناسبت سالگرد اعلام سلطنت شهریارایران در ۷۲ فصل و موضوع داخلی درنهم آبانماه سال ۱۳۶۱ انتشاریافت و انگیزه آن بیان و آشنائی بارکان مسئولیت بطورکلی و مسئولیت شاه درقانون اساسی مشروطه بود که ایرانیان بتفاوت ازمسئولیت و تکالیف و تعهدات شاهنشاه ایران تفاسیری سرزباتها انداخته بودند. درپایان رساله سخنی بابایرانیان است که بازخوانی آن زنده کننده یادها و انتظارات و امید هاست.

ای فرزندان ایران ای ایرانیان؛

بدانید که سیاق دشمنی آمریکا وانگلیس و شوروی پارژیم پادشاهی ایران، هنوزهمان است که بود. آنها ازاین قدرت کهن ترفیخواه، وحدت آفرین و افتخارسازکه ثابت و بر قراراست وحشت دارند. آنها ازاین قدرتی که سراسر ایران زمین راپوشانیده وهمه جا نامش ویداش باحسرت واحترام بردلهاست بیم دارند.

آنها ایران اینچنینی میخوانند، ایران ویران و بی ثبات ومغشوش میخوانند، تا آدمهای پست و بی اصل ونسب را بمقاماتی برسانند که هرچه میخوانند بگیرند و ببرند.....

اینها را شما میدانید وما کوچکترازآئیم که بردانستی های شما افزونی بیاوریم فقط اینها را آوردیم که فراموش نکنید چونکه خود فراموشکارم.

کمی بانصاف وحقشناس باشید، بیداروهشیاریباشید، دشمن شناس و یاریایران باشید. راه ایران رابشناسید وباغوروروسربلندی مدافع آن باشیم. متحد ومتفق زیرپرچم ایران شاهنشاهی ونظام قانون اساسی مشروطه به رهبری شهریارایران، آهنگ نجات وطن کنیم.

ایران را ازدشمنان پاک سازیم وبه ایران سازان واگذار کنیم تا درگرباره بسازند به عظمتی که فرامند شایستگی ملت وجلال وقدمت شاهنشاهی ایران باشد وما آسوده و سبک از ادای دین خود به ایران وسنت ایرانی درخاک وطن آرام ابدی گیریم.

به امید نبردی رهاساز و قیامی پرشکوه و ایران ساز

عبدالرحمن نهم اسفند ۱۳۶۱

### ۱۴- اسلام و حقوق بشر

رساله اسلام و حقوق بشر درآبانماه سال ۱۳۶۲ در ۷۸ عنوان داخلی تنظیم وبه بشریت تقدیم گردید. انگیزه تنظیم رساله مزبور درصفحه نخست چنین نوشته شده است:

### انگیزه

این رساله پیرامون اسلام و حقوق بشر، سخنی کوتاه و فشرده دارد و این دوپدیده اجتماعی و دینی از جهاتی محدود، مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. تادریک بحث تطبیقی و باتحلیل هریک از اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقررات دین اسلام، این مهم شناسایی گردد که آیا اسلام برای سعادت، راهی را توصیه میکند که اعلامیه جهانی حقوق بشر کرده است؟ و یاراهی مختص بخود دارد و اگر چنین است این راه چه تفاوت‌هایی با اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد.

انتخاب تعارض اعلامیه جهانی حقوق بشر با اسلام به این سبب ضرور شد که در آن سال سردمداران شورش ۵۷ سخت مدعی بودند که اسلام با حقوق بشر نه اینک تعارضی ندارد که همان حقوق بشر است و از جمله بنی صدر کتابی نوشت و در این باب کوشید و زیر بار این واقعیت نمی‌رفتند که اسلام با اعلامیه حقوق بشر مخالف است و اساساً تفسیر اسلام از بشر و حقوق آن، چیزی است و تفسیر اعلامیه جهانی حقوق بشر چیز دیگری است.

**حاشیه =** گذشت زمان سبب شد که رژیم اسلامی غاصب ایران تانید کرد که اسلام نمیتواند رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر را بنماید. حتی تابانجا بر این حقیقت تاکید گذاشت که اظهار تاسف شد از اینکه ایران به عضویت اعلامیه جهانی حقوق بشر درآمده است. (پایان)

انگیزه دیگری که تنظیم رساله اسلام و حقوق بشر را مشوق شد این بود که بتوانیم از موقعیت سخت و رسواکننده ای که در مقابل بشریت داریم باخبر شویم و صادقانه بیاندیشیم که در چه منجلابی فرورفته ایم و برای نجات راستین خود و نسلهای آتی بیش از پیش بکوشیم و تنها به این بسنده نکنیم که نسل حاضر از منجلاب بیرون بکشیم. باید منجلاب را خشکانید که نسلهای آتی در آن فروکش نکنند، گرچه ما خود نتوانیم از این منجلاب به سلامت بیرون شویم.

این رساله، تنها برای افزودن حسرتها و احساس دردها تقدیم نمیشود بلکه میخواهد به عصبیانی که در راه آزادی افکار جان یافته است قدرت عصیانگری بیشتری ببخشد و شعله های آماده را برای سوزاندن بند های اسارت فکری ملت ایران به سرکشی و فراگیری وادار سازد .....

رساله مزبور با جمله زیر پایان یافته است.

(به سوی فراری بزرگ، برای ایرانی بزرگ و ملتی با هویت ایرانی)

با آرزوی بیداری ملت - عبدالرحمن

آبانماه ۱۳۶۲

## ۱۵- شاهان پهلوی و مشروطیت

در پنجم مرداد ماه سال ۱۳۶۲ رساله شاهان پهلوی و مشروطیت در ۷۳ فصل داخلی تنظیم گردید. انگیزه تنظیم رساله مزبور قرارداد شاهان پهلوی در مقابل مشروطیت ایران بود که از سوی مخالفان سلطنت و بویژه بختیار به زبانها در افتاده بود، رساله مزبور از خدمات زیربنایی شاهان پهلوی به مشروطیت و حرکت اصیل و همگانی آن صحبت و دفاع شده است.

در صفحه اول رساله مطلب کوتاهی تحت عنوان <یاد حقیقت ایران > آمده است که به اتفاق دوباره خوانی میکنیم:

### یاد حقیقت ایران

سراسر تلاشها برای کتمان حقیقت میلرزد و رسوا میشود  
سراسر بیدادها فرو میریزد و شعاع تابناک حقیقت بردل‌های تاریخ میتابد

جامعه درمیآید که گوهری درمیانش می درخشید که چون باقهر، تابش آنرا از خود براند، به ظلمت تباهی گرفتارشد.  
حقیقتی که برای ملتش میخروشد و به راه سعادت و وطنش میتلاشد.  
حقیقتی که خودرانشناسانید و کس ندانست که او حقیقت ایران بود.  
باآرزوی بیداری ملت - عبدالرحمن پنجم امرداد سال ۱۳۶۲

رساله مزبور به ایرانیان تقدیم شده است که شرح زیر ضمیمه آن است:

تقدیم به ایران یاران  
اثر مقدسی که نماینده یک ملت است نباید کوچک شمرد. باید در راه ارائه حقیقت و شناخت آن دلیر بود  
یکی از تیرگیهای مامردم این است که از چیزها آنکه بی دلیل تراست باور میکنیم و بر میگزینیم و بررویش بنای تعصب و جهل رابیا میداریم و چون دلیل، نیاز به تفکر و تجسس عقلی دارد، زیاد رغبت نداریم که سنگینی کار تحقیق و تطبیق آنرا به دوش گیریم.  
این آشفتگیها و بدیها سبب میشوند که حقیقت بر دیده و عقل نتابد و گمراهی فکری، میدانی خود نمایابد.  
فضیلت ایرانی بودن چنین است که دلهای انباشته از نادرستیها را تکان داد و بافرمان اندیشه آنرا از حقایق متکی به دلیل و برهان انباشت.  
براه ایران و سرافرازی ملت، جزاین نباید بود که بافضیلت ایرانی بودن مسلح شد و درخشانی حقیقت را از میان اوهام، شایعات و دشمنی ها، به تابشگری و الائی که ذات و شایسته آن است رسانید.  
به روان نگران آن حقیقت پاک (شاهنشاه آریامهر) که هرگز حقیقتش را کس نشناخت درود باد.

باآرزوی پیروزی بردشمنان ایران پادشاهی - عبدالرحمن

## ۱۶- نیروی باز دارنده

رساله نیروی باز دارنده (مقصود از نیرو، اسلام است) در امرداد ماه سال ۱۳۶۲ در ۱۹۳ عنوان داخلی انتشار یافت موضوع این رساله اثبات این مهم است که اسلام نیروی است بازدارنده، نسبت به فرهنگ و آموزش و پرورش، دموکراسی و آزادیخواهی، امر قضاوت انسانی و عادلانه، تمدن و پیشرفت جامعه، میهن پرستی و ناسیونالیسم، ارتش و فداکاره کشور و شاه و امثال آنهاست.

در باب انگیزه تنظیم رساله در صفحه اول آن چنین آمده است:

در این رساله سعی شده است که واقعیتی بزرگ در رساله ای کوچک نمایان گردد. این رساله برای تیز کردن آتش انتقام و خشم ایرانیان نسبت به ملامهای حاکم و یا اوج گیری افسوسها تحریر نشده است.  
بنای آن بدان سبب است که به شناخت ریشه اصلی که محصول آن، انتقام، خشونت، فقر، عقب ماندگی و افسوس در افسوس است موفق شویم.  
هدف از تحریر این رساله این است که تصویری کلی، نه چندان دقیق و منظم از نقش نیروی بازدارنده اسلام و تشیع در جامعه ایرانی ارائه شود.  
در مسیر این تحقیق از زرادخانه مدارک و مستندات بسیار، تنها جنبه هائی انتخاب گردیده که روشنگر جدال دوقوه پیشرفت، و توقف ملت ایران باشد.....



به امید اینکه خوانندگان محترم این تحریر، جواز اصالت را بر این تحریر ازانی فرمایند و با تبلیغ آن، حقیقت رامباهی سازند.  
چون سخن را اصل یابی، بی ریا عرضه کن درهرمیانی نکته ها

درپایان رساله درفصل کامیابیها ونیروی بازدارنده، گفتاری خطاب به ایرانیان است که چندسطری ازآخر آن بخش به اینجا آورده میشود:

.....درسالهای قبل ازشورش ۵۷حزب تشیع (مذهب تشیع) یک آبروی کاذبی را داشت وحالا دیگر آنراهم ندارد ومهم قضیه همین است وتکلیف هرایرانی وطن پرست و ترقیخواه این است که تامیتواند تتمه آبروی کاذب آنها رابریاد دهد ونگذارد که این حزب بار دیگردرلاک آبروی کاذب خود فرورود.

درتاریخ آزادی فکرمی بینیم که جنگ میان کلیسا با آزاد اندیشان وجوابهای تندی که رد و بدل میشد، احترام مذاهب وکلیسا رازبین برد.

این جنگی راکه حزب تشیع ایران آغاز کرد، تاپیروزی نهانی ونابودی کامل آن حزب ادامه دهیم .

مذهب وسران حزب تشیع نمیتوانند درمقابل عصیان های فکری و احساسات ناسیونالیستی، آبروی خود راحفظ کنند واین دیوارشکسته فرومیریزد.

عامل بقای حزب تشیع، آبروست. آنرا از میان ببرید، تشیع برباد میرود. بودن حزب تشیع درایران باهزنوع اقدام اصلاحی، سازندگی اقتصادی واجتماعی وفرهنگی منافات و دشمنی دارد.

هرقدرکارکنید، زحمت بکشید که مملکت ساخته وآباد گردد، هرموقعی که امکان بدست این نیروی بازدارند بیفتد، چه داخلی وچه خارجی، حزب تشیع همه ساخته هارابدست اعضای خودش که همان سازندگان ایران، هستند ویران میکند وباردیگر سیل خون میهن پرستان رابراه میاندازد.

یکباربرای همیشه ویرانگر راویران کنیم تاهرگز وطن ویرانه نگردهد.

ای که خودرابه وطن بسته همانند دوچشم تیغ درچشم بسوزاندو گریاند چشم  
بگرش این تیغ، زقلب وطنت باتدبیر همچنان کوبکشی تیغ، برون از ته چشم  
تیغ، دردوبیتی بالا نیروی بازدارنده اسلام وتشیع است.  
باآرزوی بیداری ملت ایران عبدالرحمن  
امرداد ۱۳۶۴

#### ۱۷- باهانی درجهنم (پژوهش پیرامون فیلم <بدون دخترم هرگز>)

این پژوهش درخرداد ماه سال ۱۳۷۱ در ۱۸۹ صفحه درسه بخش تنظیم گردیده است، موضوع پژوهش را عینا از صفحه سوم آن به اینجای آوریم:

هرموضوعی ازجهات مختلفی ممکن است مورد نقد وبررسی قرارگیردکه مشخص ترین آن جهات، جنبه های مادی ومعنوی آن چیز ویاموضوع است. نقد وارزیابی یک فیلم سینمایی هم

شامل همان محدوده است که میتواند از جهات گوناگونی مانند تجاری، هنری، بازیکنان، کیفیت صحنه ها، مسائل فنی، نوروصدا و مسائل مشابه ازسوی متخصصین مورد بحث و ارزیابی قرارگیرد.

در ردیف این جهات، یک جهت هم متوجه فلسفه ای است که در داستان فیلم نهفته است و پژوهشگر، باگذشتن از تمامی جنبه های مختلف فیلم، به سراغ فلسفه فیلم میرود تا نشان دهد که محتوای داستان فیلم، گویای چه حقایقی است و چه مسائلی را بازگومیسازد و امثال آنها. هنگامیکه فیلم (بدون دخترم هرگز) به بازارنمایش آمد گفتگوهای موافق و مخالف نسبت به فیلم براه افتاد و ایرانیارانی جوایب نظرسنجر شدند برای جوابگویی به پرسش آنها لازم شد که فیلم دیده شود لذا از یکی از بستگانم خواهش کردم که فیلم رابه ببند و بعد باهم صحبت کنیم (این خواهش به این سبب بود که حاین سرباز، پس از اشغال ایران توسط شورشیان مذهبی بعضی از تمایلات رازدست داده ام از جمله رفتن به سینما و تاتروسرگرمیهای مشابه و نیز ورزشهای مورد علاقه ام) (از همان کتاب صفحه اول)

در صحبتی که پس از دیدن فیلم با ایشان داشتم و سوالاتی را که مطرح کردم آن شخص گفت بهتر است خود شما فیلم رابه ببینید والا جواب گفتن به سوالات، ازسوی دیگران شمارا راضی نمیکند.

لاجرم، بقول معروف کفش و کلاه کردم که پس از ۱۲ سال به سینما بروم تا نزدیکی سینما که رفتم معلوم شد که متاسفانه فیلم از سینماهای تورنتو و حتی شهرک های نزدیک آن بیرون رفته است لذا چاره ای نبود جز اینکه صبر کنم تا ویدئوی آن بیابار آید.

این بود که تنظیم این پژوهش با تاخیر مواجه شد و نتوانست در همان روزها که بحث نسبت به آن فیلم داغ بود ارانه گردد.

فیلم مزبور سرنوشت ازدواج یک جوان ایرانی بنام دکتر محمودی بایک دختر آمریکائی مسیحی بنام بتی در آمریکا است که دارای دختری میشوند و به ایران میآیند و هنگام بازگشت خانواده مسلمان و قشری دکتر محمودی اجازه برگشت دختر رابه آمریکا نمیدهد و بتی خانم با زحمات زیاد موفق به فرار از ایران میشود.

پژوهش اینجانب نسبت به این فیلم واقعی منحصرا از جنبه های حقوق اسلامی و حقوق بتی خانم در اسلام و امثال آنهاست. در پایان کتاب توجهاتی آمده است که صد درصد ارزش بازگویی دارد.

#### شرائط موفقیت و پیروزی

بیا تا کار این امت بسازیم از آن یک ملت هشیار سازیم

برای اینکه بتوان با سلاح مذهب، ملت را از فریبی که براومستولی شده است رهانید رعایت مسائل زیر ضروری است:

اول-- اسلام رابه اسلام راستین و غیر راستین و اسلام ناب محمدی و غیر ناب تقسیم نکنیم که این قبیل برداشتها مانع موفقیت است.

گرچه این روزها خوشبختانه صحبت از اسلام راستین نیست ولی هنوز نوشته های کماکان در این زمینه منتشر میشود از قبیل ( به رساله مزبور صفحه ۱۸۷ رجوع شود )

اگر کسانی در طول قرون گذشته و یا حال از ماهیت اسلام آگاه نبوده و نیستند و در ذهن خودشان تصویری از اسلام و تشیع کشیده اند، گناه از خودشان است و این تصویرها چه زشت و یائیکو موجب تغییر ماهیت اسلام و تشیع نمیگردد. اسلام قرآن است و سنت محمد و تشیع هم قرآن است و سنت محمد بعلاوه سنت ۱۲ امام همین و همین.

دوم-- نباید بین مذهب تشیع و متولیان آن ایجاد چنان تمایزی گردد که اولی حق و دومی ناحق شناخته شود. اگر ناحق است هر دو ناحق است چراکه تشیع اصل است و آخوند از ترشحات آن اصل است، اصل پاک، ترشحاتش هم پاک است و ناپاک، ترشحاتش هم ناپاک است. تشیع است که آخوند تولید میکند نه آخوند تشیع را.

سوم-- آن چیزی که ملت مارا به گمراهی و فریب بزرگ کشیده است، مجموعه احادیث محمد و انمه شیعیان است. ما نباید آنها را از اعتباری که تاکنون دارا بوده اند بیاندازیم. نباید بنویسیم که آن احادیث سست و بی اعتبارند. ما باید از همان احادیث، سلاح و پادزهری بسازیم تا ماهیت فریب مردم بر خود مردم روشن شود و مردم خودشان کل و جزء آن احادیث را که خود شیعه هم جز حدیث چیزی نیست از اعتبار بیاندازند .....

مصلحت در باز صحبت کردن بیشتر نیست و

اشارتی که در این گفتگو بیامد راست

به نزد مردم دانا هزار دیوان است  
با احترام و ارزوی پیروزی عبد الرحمن

## ۱۸- اسلام آمریکائی

اسلام آمریکائی مجموعه ای از مقالات سنگر است یکی از سازمان های مبارزاتی بدون اینکه خود را معرفی کند جمع آوری و بصورت مجلد در آورده و آنطور که در پشت جلد نوشته شده در چاپخانه سازمان آریا به تعداد ۵۰۰۰ جلد چاپ شده است.

### موضوع مقالات اسلام آمریکائی

از اواسط سال ۱۳۶۷ فعالیت تازه ای در میدان مبارزه ایرانیان خارج از کشور شروع شد و آن کوششی بود که آمریکائی ها سعی داشتند بوسیله عوامل خود چهره تازه ای از اسلام ترسیم کنند که با جلوه دمکراسی و مترقی شناخته شود گرچه این تلاش را مهدی بازرگان آغاز کرد و در بهمن ۵۷ در اطلاعات در مصاحبه ای گفت:

> این جمهوری در واقع همان جمهوری دمکراتیک است، دموکراتیک یعنی اسلام. اسلام آئینی است که از خلق میگوید بنابراین جمهوری اسلامی یک نظام آزاده مبنی بر دمکراسی است < (اطلاعات ۲۰ بهمن ۱۹۷۹=۱۳۵۷)

معهدا فعالیت جدی آمریکائیها از اواسط سال ۶۷ آغاز شد و رهبری این برنامه برعهده حائری یزدی قرار گرفت و محمد درخشش مجری برنامه های اجرایی آقای حائری یزدی شد و عنوان (آیت الله حائری یزدی مرجع تقلید شیعیان اروپا) را هم آقای درخشش برای یزدی ساخت و برای سخنرانی حائری یزدی در دانشگاه آمریکن تبلیغات وسیعی را براه انداخت که از عناوینی که برای آن شیخ ساخته بود به عمق و گسترش تبلیغات مزبور میتوان پی برد.

**(اطلاعیه - جامعه معلمین ایران به اطلاع میرساند که آقای ایت الله حائری یزدی مجتهد طراز اول - دکترای الهیات ازدانشگاه تهران - دکترای فلسفه ازدانشگاه تورنتو - استاد فلسفه و ادبیات دردانشگاه تهران - جرج تاون - میشیگان - تورنتو و مک کیل، دردانشگاه آمریکن سخنرانی و سپس به سوالات حاضرین پاسخ خواهند داد.....)**

آقای حائری یزدی در آن سخنرانی مسائلی را عنوان کرد که امروز درست و تمام از دهان و قلم آقای کریم سروش (نام اصلی عبدالحسین دباغ است) میخوانیم و میشنویم، چنانکه بعد از درگذشت حائری ایشان یعنی آقای سروش متصدی جا انداختن و ایجاد حقانیت برای نظرات حائری یعنی اسلام آمریکائی شد.

رساله مزبور دارای ۸۷ عنوان داخلی است که در رد تز اسلام آمریکائی حائری تنظیم شده است.

## ۱۹- عشقبازی های شاه

در سال ۱۳۷۶ کتابی تحت عنوان <تاسیاهی در دام شاه> از سوی مرکز ترجمه و نشر کتاب وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی منتشر شد که موضوع کتاب <خاطرات پروین غفاری بود که بوسیله یکی از خدمه و مزدوران جمهوری اسلامی نوشته شده است.>

**توضیح -** پروین غفاری در آن کتاب به غیر از سرکار خانم پروین غفاری (روشندل) است که در لوس آنجلس تشریف دارند پایان توضیح.

در آن کتاب نسبتها و اعمالی به شاهنشاه و دیگر شخصیت های خانواده سلطنتی نسبت داده شده است که فقط میتواند کاریک آدم بی حیثیت، بی انصاف، کذاب، نامرد و نادان و یاعمله فساد، یعنی یک قشری مسلمان باشد. از یک اشاره، به کل آسان میتوان رسید <عشقبازی و رابطه نامشروع مدام باخواهرزاده خود آزاده شفیق!.....>

کتاب «تاسیاهی در دام شاه» نیاز به جواب داشت، نمیشد در مقابل آنهمه دروغ و فضاحت ساکت ماند، کتاب عشقبازی های شاه در تاریخ بهمن ماه سال ۱۳۷۸ تنظیم و برایگان پخش شد. این کتاب دارای ۲۰۰ صفحه و حاوی ۲۴۸ مآخذ تحقیقی است. <اشاره به مآخذ تحقیق نشان دهنده اصالت تحقیق و بی اعتباری کتاب جمهوری اسلامی است.>

## ۲۰- سگهای هار

جزوه سگهای هار جزوه کم قطری است که در ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۳ از سوی سنگر منتشر گردید حاوی تصویر گروهی از ملاحای حکومتی است که تا آن سال شناخته و در صحنه بودند جزوه مزبور با مقدمه ای شروع و با ابیاتی که یک ایرانی به سنگر ارسال داشت پایان یافته است. مقدمه رابه اتفاق میخوانیم و ابیات پایان جزوه رابه زمان دیگر موقوف میکنم.

فرزندان ایران - اصحاب حقیقی ایران

فاجعه سال ۵۷ ذات روحانیت را در معنای <هاریت> جلوه گرساخت. در این تشبیه چه جای تردید است.

زمانی که بیماری هاری سگها شدت نیافیه است آنها دمهایشان را در لای پایشان میگذارند و خود را در کوچه و کنار از انظار مخفی میکنند. ملاها نیز وقتی شرایط برای هاریشان مساعد نبود تقیه کردند و عیاشان را بر سر هایشان کشیدند و از کوچه و پس کوچه بی سروصدا میگذشتند ولی وقتی اوضاع را مناسب دیدند، بسان همان سگهای هار، خوی هاریش بروز کرد و ذاتشان نمایان گشت و چنانکه میدانید و ناظر بودید، هر چه در پیش رویشان بود دریدند.

امروز که مردم به نحوست و کثافت این قوم آگاه شده اند، نگذارید کسانی باماموریت های خاص و یا تعصبات بدتر از اماموریت های پلید، این سگهای هار شناخته شده را دوباره در پرتو عنایت مردم قرار دهند.

نباید گذاشت حشمت و اعتبار مردم متوجه آنها شود. آنها سگان هاری هستند که از طریق اعتماد مردم هایشان عود میکند خطر آنجاست که مردم باوردارند که آدم محترم خلاف نمیکند.

همانطور که علاج دریدگی، دوختن است، علاج رهائی ملت هم از میان برداشتن هاری و هاریت است، یک ملت هشیار دوبار در یک چاله نمی افتد. ایران بهترین سرزمینهاست نگذاریم این سرزمین پاک، این مهد زرتشت و کشور شاهان جایگاه سگان هار گردد.

.....مفصل است به جزوه مزبور رجوع شود

سن سیمون میگوید > اگر از میان روحانیون یکباره ۱۰۰۰ نفر از میان بروند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ هیچ. اگر در جامعه ای ۱۰۰۰ نفر از متخصصین اقتصادی، بانکداران، نظامیان و سیاستمداران ناپدید شوند آن جامعه فلج میگردد <

هیچ واهمه نکنید که ابدا شرط بقای جامعه وجود سگ نیست تاچه رسد به سگهای هار که فلسفه مذهبی، آنها را هار ساخته است.....

### عبدالرحمن

عکس تعدادی از این سگهای هار جهت شناسایی شما تقدیم است.



سگ هار ناطق نوری



سگ هار ربانی املشی



سگ هار موسوی اردبیلی



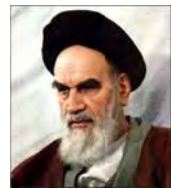
سگ هار هادی غفاری



سگ هار مهدوی کنی



سگ هار مشکینی



سگ هار بزرگ



سگ هار موسوی خوینی ها سگ هار محسن رضای سگ هار منتظری سگ هار مهدی کروی توله سگ هار احمد خمینی سگ هار اکبر هاشمی رفسنجانی سگ هار فلسفی واعظ

### ۲۱- پاسخنامه

در اسفندماه سال ۱۳۵۸ آقای طباطبائی قمی که عوام ایشان را با عنوان ایت الله خطاب میکردند، باجراند تهران مصاحبه ای داشت، که چون شایسته جواب بود در تاریخ اول فروردین به آن جواب گفته شد که در تهران در حدی که ممکن بود پخش شد اکنون پس از گذشت یکسال و دو ماه ایشان طرف صحبت قرار گرفته و به سوالات کتبی خبرنگاری جواب گفته است.

مصاحبه مزبور واجد مراتبی است که از دید اعتقادی نمیتوانست بلا جواب بماند لذا جزوه حاضر تنظیم و تقدیم میگردد و چه نیکو خدمتی است که نسخی از این جزوه برای همفکران خودمان به ایران فرستاده شود. ( صفحه اول جزوه مزبور) باارزوی بیداری ملت - عبدالرحمن

برای آشنائی کلی باموضوع جزوه پاسخ نامه توضیح داده میشود که محورمصاحبه قمی برسه موردی که ازموارد دیگر شاخص است قراردادش یکی اینکه دولت ها مکلفند که دستورات مراجع تقلید را عمل کنند - دوم مدعی است که وطن پرستی خوبست بشرطی که برای حفظ تشیع باشد سوم اینکه اتهامات ناروای سنگینی به شاهنشاه ایران میزند..... باآرزوی غرور ملی ایرانیان - عبدالرحمن بتاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰

## ۲۲- جزای آخ

در اوایل سال ۱۳۶۰ روح الله خمینی چند فقره فتوا و حکم شرعی داد که نمیتوانست بدون جواب و تجزیه و تحلیل باشد سنگردر تاریخ دهم مهرماه سال ۱۳۶۰ جزوه ای تحت نام <آخ> انتشار داد، و غرض از انتخاب <آخ> این بود که ایرانیها حق گفتن آخ هم در مقابل فشار و تضییقات حکومت اسلامی ندارند.

چند فقره از آن فتاوی به اینجا آورده میشود و تصور میشود که حکایت جزوه مزبور از همان فتاوی قابل حدس باشد.

فتاوی یکم - هرکس از روی قصد از مسلمانان مکتبی، از حزب و دولت جمهوری اسلامی انتقاد کند کافر و ملکش را باید به ورثه بدهند و خودش راهم بکشند.

فتاوی دوم - وقتی گفته میشود مکتبی، کسانی مسخره میکنند. مکتبی یعنی اسلامی. آنکه اسلامی را مسخره میکند، اسلام را مسخره میکند. آن شخص اگر متعمد باشد، مرتد فطری است و زنش حرام است و مالش هم باید به ورثه داده شود و خودش هم باید مقتول شود.

فتاوی سوم - این روحانیون بودند که مردم را به کوچه و بازار کشاندند و این اسلام بود که مردم را به کشتن داد والا نه یک جبهه ای و نه یک حزبی و نه هیچ گروهی نمیتوانست مردم را بکشاند بطوریکه داوطلب دنبال مرگ بروند و شهید شوند.

فتاوی چهارم - اگر روحانیت شیعه از صحنه حکومت ایران کنار بروند، رژیم جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد و اگر اینها کنار بروند شما هیچ کاره اید. چنانکه شما از اول هم هیچکاره بودید. اینها هستند که شما را توی میدان آوردند.

فتاوی پنجم - اسلام و قدراین روحانیون را بدانید. مردم مطلع نیستند و نمیفهمند که اگر این طایفه را کنار بگذارند بعد از ۵۰ سال اسم و رسمی از اسلام نخواهد ماند.

فتاوی ششم - بترسید از روزی که این مردم بفهمند که در باطن شما چیست و یک انفجار حاصل بشود. از آن روز بترسید که ممکن است خدای نخواستہ باز پیدا بشود و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردم

باآرزوی رهایی از اهریمنان عبدالرحمن

## ۲۳- ملاحای میانه رو

در سال ۱۳۶۳ مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه جرج تاون، بخش خاورمیانه، طرحی در مورد کشور ما باامضای خاتم شیرین هانتر معاون بخش مزبور در نیویورک تایمز مورخ ۲۳ اوت ۱۹۸۴ انتشار داد. سنگردر تاریخ دهم شهریورماه همان سال ۶۳ در شماره ۲۱۷ به آن طرح جواب منفی داد. اجمال طرح در یک جمله این بود که <آمریکا باید ملاحای میانه رورا در ایران تقویت و روی آنها سرمایه گذاری کند تا بعد از خمینی یک ایران ثابت بوجود آید>

بعد از انتشار آن مقاله شخصیت‌هایی از سنگر خواستند که مقاله مزبور بصورت جزوه ای به انگلیسی ترجمه تا برای نیویورک تایمز و دانشگاه جرج تاون و شخصیت های سیاسی آمریکا ارسال گردید.

که سنگر هم آنرا با تغییرات لازم به انگلیسی برگردان و برای کلیه گیرندگان سنگر هم ارسال داشت.

## ۲۴- پیروزی تاریخی

پیروزی تاریخی مجموعه مقالاتی است که سنگر در رابطه با اقدامات شاهنشاه ایران برای حفظ منافع ایران و استقلال نفتی ایران در شماره های پشت سرهم انتشار داد. این رساله که مستند به اسناد و مدارک و شهادت و ملاحظات متقن است تاکنون ۶ بار بصورت مجلد از سوی ایرانیان چاپ شده است. بارششم آن بوسیله جاوید ایران صفحه بندی و باتصاویر و توضیحات به سایت ۱۴۰۰ سال (امیرفیض) منتقل گردیده است. در آن مجموعه پیروزی تاریخی از متن التیماتوم های آقایان فورد و نیکسون به شاهنشاه ایران در رابطه با خودداری از سیاست استقلال نفتی و پاسخ حکیمانه و دلیرانه شاهنشاه آریامهر مطلع میشویم.<sup>۴</sup>

## ۲۵- جزوه معرفت

تیمسار علی اکبر فراهیان در سال ۱۳۸۴ دو جلد کتاب خودشان را که بنام «ناگفته های شنیدنی» انتشار دادند برای سنگر ارسال و ضمن نامه ای خواستار نقد آن شدند.

کتاب شامل دو قسمت است یک قسمت معرفی شخصیت خودشان که قابل نقد نیست و قسمت دوم که انگیزه نقد کتاب است اعتقاد سیاسی تیمسار است که کتاب را نقد پذیر ساخته است. ایشان در ردیف گروهی است که به شورش ۱۳۵۷ اصالت انقلابی داده است و در این باره نوشته است:

«به دلیل نارسائی ها و اعمال سیاست های نادرست که در بعضی از زمینه ها اعم از سیاسی و اقتصادی و بویژه نوسازی کشور اعمال میشد، نارضایتی گسترده ای بوجود آمد که آبخوار ریشه های انقلاب آخوندیسم و برقراری جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران گردید.»

تیمسار فراهیان از سال ۱۳۶۶ منکر مداخله خارجی در امور ایران و انتظام دادن به جمهوری اسلامی است و با اصیل دانستن شورش ۱۳۵۷ علت آنرا نارضایتی مردم دانسته است، گفتنی است که ایشان فقط در کتابشان شورش ۵۷ را انقلاب مردمی نشناخته اند بلکه در روزنامه صبح ایران ۱۳ مهرماه و ششم و هفتم آبانماه سال ۱۳۷۷ نیز از تز عدم مداخله خارجی در شورش ۵۷ دفاع کرده است.

توضیح اینکه مقالات ایشان در صبح ایران بلا جواب نموده و در مورخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۷۷ پاسخ لازم به آنها داده شده است.

تیمسار، قائل و مدافع حقانیت سلطنت نیست و اعلیحضرت شاهزاده خطاب میکند. و درجائی از کتابش (صفحه ۸۸) در تفسیر گروههای شکست خورده اوپوزیسیون، اعلیحضرت را در ردیف رجوی و گنجی و مدنی و حکمت و امثال آنها با عنوان شاهزاده قرار داده است.

فراهیان از قطب زاده و شریعتمداری تجلیل کرده است .....

با احترام و ارزوی پیروزی سنگر چهارم دیماه ۱۳۸۴



**۲۶-****ربات های تیرانداز**

در سال ۱۳۸۰ تیمسار امیر هوشنگ آریانپور نامه مفصل سرگشاده ای بعنوان «رضاپهلوی» انتشار داد که روزنامه صبح ایران و عصر امروز در فراگیری آن نامه نقش موثری داشتند.

نامه ایشان متضمن ۱۰ موضوع داخلی بود که چند تائی از آن که نمونه مشت از خروار است به اینجا آورده شده است:

- ۱- رضاپهلوی شاه نیست و مطابق رفتارندم سال ۵۸ مردم ایران سلسله پهلوی را از سلطنت خلع کردند.
- ۲- رضاپهلوی هیچ گونه محبوبیتی ندارد و ۹۹ و نه درصد از ۷۰ میلیون مردم ایران اصلا او را نمی شناسند.
- ۳- فرزند پدري است خود کامه، خودسر و خودبزرگ بین که قانون اساسی رابه یکی از عقب افتاده ترین قوانین اساسی جهان مبدل نموده است.

.....

در این جزوه که از نظر محتوا میتواند رساله شناخته شود به یکایک ادعاهای ایشان پاسخ استدلالی داده شده است. متن نامه ایشان بطور کامل در صفحه ۲۰ درج است.

**۲۷-****آخرین تقریرات شاهنشاه آریامهر**

تیمسار سپهبد آگهیان در پنجم امرداد سال ۱۳۸۰ نوار رادیویی خودشان را بوسیله سرهنگ کاظم مرادی همراه نامه ای به سنگر فرستادند در آن نامه توضیح داده شده بود که، کتاب پاسخ به تاریخ، آخرین کتاب شاهنشاه فقید درمکزیک نوشته شده. نخستین بار به زبان فرانسه انتشار یافت، چندی بعد این کتاب به فارسی ترجمه و مورد استقبال فراوان خوانندگان فارسی زبان قرار گرفت.

«آنچه که امروز به استحضارتان میرسانم متنی است که پادشاه فقید در آخرین روزهای زندگی در قاهره بر کتاب خود افزوده اند و در چاپ انگلیسی انتشار یافت. این فصل کتاب تا آنجا که من اطلاع دارم تاکنون به فارسی ترجمه نشده است و اینک فصل هائی از آن را با استحضار میرسانم

سپهبد آگهیان پنجم امرداد ۱۳۸۰»

آخرین تقریرات شاهنشاه آریامهر از نوار سخنرانی تیمسار آگهیان پیاده و بصورت جزوه ای با جلد آبی رنگ با فهرست مندرجات زیر انتشار یافت:

- ۱- آخرین بیانات شاهنشاه آریامهر در بین علت سقوط ایران.
- ۲- حواشی تحقیق.
- ۳- تعدد کتاب پاسخ به تاریخ.
- ۴- کتاب پاسخ به تاریخ اصیل و کامل تاکنون به فارسی ترجمه نشده است.
- ۵- از چیزهائی که در کتاب پاسخ به تاریخ اصیل هست.
- ۶- برآستی که سزاوار شمایم

عبد الرحمن ۱۵ امرداد ۱۳۸۰

**درخواست تحویل آرشیو سنگر**

اواخر سال ۱۳۸۶ بشرحی که در سنگرها ذکر شده، مصلحت مبارزه در توقف اجباری سنگر قرار گرفت و اینجانب ضمن لایحه ای بتاريخ ۱۵ بهمن ماه سال ۸۶ مراتب بعرض اعلیحضرت بمنظور کسب تکلیف نسبت به ذخائر سنگر رسید که متن لایحه برای تکمیل این گزارش ارائه میشود.

## پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه دوم

با احترام و آرزوی سعادت و پیروزی برای اعلیحضرت، گزارش حاضر را برای کسب تکلیف تقدیم می‌دارم.

باتوقف قهری نشریه سنگر، تصفیه امور سنگر لازم و ضروری است. تصفیه امور مالی سنگر نیازی به کسب تکلیف و اجازه نداشت چراکه وجوهی که در حساب بانکی سنگر بود متعلق به کسانی بود که بامنظور کمک مالی به سنگر پرداخته‌اند بوده و واپس پرداختهای مشارکت در هزینه انتشار سنگر برای آینده بود. امر تصفیه امور مالی سنگر لازم ساخت که پرداختهای آنان بوسیله چک بانکی از حساب سنگر عودت داده شد و چکهای که به حساب سنگر منظور نگردیده بود، عین چکها به صاحبان آنها فرستاده شد.

اما تصفیه امور اداری و اسنادی سنگر به سادگی امور مالی نیست و نیاز به کسب اجازه و تعیین تکلیف از سوی اعلیحضرت دارد. زیرا:

۱- در حال حاضر چه از نظر قانونی و حقوقی (تداوم مشروعیت سلطنت و قانون اساسی) و چه از نظر عرف و باورهای فرهنگی مردم و چه حتی بطور اسمی و تصویری شخص اعلیحضرت تنها رکن شناخته شده مبارزه هستند و لذا تعیین تکلیف آرشیو سنگر بایشان است.

۲- روش معمول بر این پایه است که در سازمان های سیاسی و حتی اداری و کشوری، عضوی که متصدی کاری است بهنگام بازنشستگی و یا اخراج و یا بهر علتی و حتی فوت، ابوابجمعی آن کارمند تحویل سازمان می‌گردد تا سازمان به تشخیص خود برای اسناد و اموال، تعیین تکلیف نماید. در کلام نتیجه ای ابوابجمعی آن افراد صورت امانت دارد.

سنگر در راستای مبارزه، چنین موقعیتی داشته و دارد و آرشیو سنگر، ابوابجمعی مبارزه است که بعلت توقف قهری سنگر، باید در اختیار مبارزه قرار گیرد. هر چند قاطعانه عقیده داریم که مبارزه ای وجود ندارد تا قدره استفاده از آرشیو سنگر باشد ولی این عقیده، هر قدر محکم باشد رفع تکلیف از امانت داری مبارزه را نمیکند.

۳- اسناد آرشیو سنگر که در همین گزارش بطور فشرده به کم و کیف آنها اشاره خواهد شد و بخشی از آن هم در گزارش فعالیت های سنگر مسطور گردید، از سوی ایرانیان به نیت مبارزه علیه جمهوری اسلامی و حفظ تداوم سلطنت در اختیار سنگر قرار داده شده و چنین قصد و نیتی بسیار محترم است و این احترام و اعتماد ایجاب میکند که برای آن اسناد و مدارک تعیین تکلیف گردد و بنظر سنگر در شرایط کنونی، رکنی به غیر از اعلیحضرت برای تعیین تکلیف آرشیو سنگر وجود ندارد.

## آرشیو سنگر

سنگر، به همت ایرانیان در طول ۲۸ سال فعالیت انتشاراتی در راه نجات ایران شاهنشاهی دارای آرشیوی پربار شده است که برخی از ایرانیان آنرا نه تنها غنی بلکه غنی ترین میدانند.

اکنون گزارش مختصری از کیفیت آرشیو سنگر با استحضار رساند میشود:

- ۱- مجموعه کیهان لندن از شماره اول تا شماره ۲۱۹۰ جلد شده (جلد معمول کتابخانه های عمومی برای سهولت دسترسی به مطالب و شماره ها) به انضمام لیست موضوعات مهمی که در شماره های کیهان در راستای مبارزه و هدف سنگر قابل بهره برداری بوده است. یعنی بامراجعه به لیست مزبور که خود کلاسورسنگینی است براحتی میتوان موضوع مورد نظر را در مجموعه کیهان یافت.
- این دوره کیهان لندن به انضمام دوره کامل سنگرها به کتابخانه ریات تورنتو هدیه شد تصویر بسته های مزبور که برای حمل آماده گردید برای ملاحظه اعلیحضرت ضمیمه این لایحه گردیده است.
- کتابخانه تورنتو ضمن نامه شماره ۱۸ نوامبر ۲۰۱۱ باتشکر دونیشن Donation را اعلام کرد
- ۲- چهارکارتن بزرگ مملو از کاست های رادیویی است که مشتمل بر ۸۲۰ کاست است. کاستها مجموعه ای از مصاحبه های اعلیحضرت بارادیو صدای ایران و آمریکا و دیگر رسانه ها و همچنین مصاحبه های افرادی است که اظهارات آنها مآخذ تحقیقات و شواهد قابل استفاده در مبارزه علیه رژیم غاصب است. کاستهای مزبور بدون استثناء ارسال ایرانیااران به سنگراست، وسنگر از برخی از آنها استفاده تحقیقاتی کرده ویا آنرا تکثیر و برای ایرانیااران ارسال داشته است.
- ایرانیااران شاهدند که سنگرکتبا از آنها تشکر کرده ودرخواست نموده که از ارسال کاست مصاحبه ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی خودداری فرمایند.
- کاست های مزبور بصورت انبوهی عکس برداری و ضمیمه لایحه تقدیم حضور اعلیحضرت شده است.
- ۳- یک کارتن بزرگ ویدیو از مراسم و برنامه های مصاحبه های تلویزیونی ایرانی و خارجی و مسائلی است که مربوط به ایران بوده و در راه مبارزه و تحقیق و استناد مطلب بسیار قابل استفاده است.
- ۴- حدود ۳۰۰ پرونده تحقیقاتی که هر پرونده مربوط به موضوع خاصی است و موضوعات هم بدون استثناء مربوط به ایران (سیاسی و مذهبی) میباشد که هریک از آن پرونده ها خود مستقلا موضوع یک کتاب ویا رساله است.
- ۵- ۴۵۰ پروند مکانبات اشخاص باسنگراست که عموما شامل اطلاعات و معلوماتی است که ایرانیااران به سنگر داده اند ویا سوابقی از افراد ارائه شده که تامین کننده امنیت سنگر بوده است. توضیح اینکه - اطلاعاتی که افراد بعنوان محرمانه به سنگر ارسال داشته بودند در ردیف این پرونده هانیست و همانطور که در یکی از سنگرهای گذشته اعلام گردید بنا بر تقاضای ایرانیاارانی که اطلاعات محرمانه به سنگر داده بودند کل پرونده آنان برایشان ارسال گردید و آنها هم که درخواست استرداد مدارک خودشان را نکردند پرونده آنها بکل از بین رفته است.
- ۶- پرونده مداخله خارجیان در تدارک شورش ۵۷ که به دادستانی آمریکا اعلام و نسخه ای از آن به وزارت امور خارجه ۱۹ کشور امضاکننده عهدنامه هلسینکی باموضوع عدم مداخله در امور کشور ارسال ویک نسخه از آن در آرشیو سنگر بایکاتی است.
- توضیح اینکه در گزارش فعالیت سنگر، گفتمان بیشتری نسبت به مورد شده است.
- توضیح اینکه شادروان آقای جلال آهنچیان نیز در لوس آنجلس در همین موضوع اقداماتی کرده بود که سوابق آنرا به سنگر ارسال داشته بودند. این اسناد که مشتمل بر ۳ کارتن است ضمیمه است.
- ۷- چهارده کلاسور قطور خلاصه مطالب مهمی است که از کتابهای مورد تحقیق در کتابخانه ها یادداشت برداری شده و این کلاسورها به همراه پرونده های تحقیقاتی یار و یاور سنگر بوده است.

- ۸- دوره کامل روزنامه های ایران آزاد - پست ایران - اعدام - حرکت - ایران تریبیون (کامل نیست) - پردیس - جبهه نجات - ایران جهان - نهضت بختیار- آرا- دژیان - گام - سام - ایران نیوز - پیام ایران (کامل نیست) - ایرانشهر آقای شفا - ایرانشهر قبل از شورش ۵۷ - نهضت رنجبین و بسیاری از جراند ایرانی خارج از کشور که امروز همگی آنان بغیر از گام تعطیل شده اند که در ۱۲ کارتن بزرگ نگهداری شده است - این نشریات تنها نگهداری نشده بلکه بموقع خوانده و مسائل مهم و قابل استفاده آن علامت گذاری و برخی استنساخ و بایگانی شده است.
- ۹- بریده مقالات روزنامه های فارسی لوس آنجلس درباره مسائل مبارزاتی که بسیار، بسیار به شناخت فعالیت های مبارزاتی کمک موثر بود، این بریده ها تفکیک موضوعی شده و در فلایل های مربوطه بایگانی شده است.
- همین جا لازم است از ایرانیاری که چون در سال گذشته در گذشته ذکر نامشان بی اشکال است نام برده شود ایشان مهندس منصورپازارگاد بودند که بامن هیچ آشنائی قبلی نداشتند و هیچگاه هم همدیگر را ندیدیم به مدت ۱۶ سال بطور مرتب هر هفته یک بسته بزرگ از بریده مطالب روزنامه های لوس آنجلس برای سنگرمیفرستادند تصور نمیکند این قبیل همکاری ها و تحمل مخارج و صرف وقت عامل و سببی جزعلاقه به مبارزه و پیروزی داشته باشد.
- ۱۰- یک کارتن از خبرهای برجسته و تفاسیر استثنائی بی - بی - سی مربوط به ایران که در راستای مبارزه و تحقیق علیه جمهوری اسلامی و اثبات مداخله خارجی در شورش ۵۷ بسیار قابل استفاده است.
- ۱۱- مجموعه کارتهای تمایل دریافت سنگروپاکتها سنگرهای برگشت شده - این مجموعه قرینه و نشانه ای است از علاقمندی و امید ایرانیان به مبارزه و پیروزی در سالهای نخست و ناامیدی و رویگردانی آنها از مبارزه در سالهای بعد.
- ۱۲- پرونده های مالی سالیانه سنگر که کمک های اشخاص و هزینه های سنگرباقبوض مربوطه که بطور منظم و مرتب نگاهداری شده است.
- ۱۳- شماره هائی از کیهان هوائی که مطالبش میتواند مستند علیه جمهوری اسلامی قرار گیرد که با علامت قرمز علامت گذاری شده است.
- ۱۴- مقالات و موضوعات ماشین شده برای چاپ در سنگر که از فوریت افتاده و در سنگرها چاپ نشده یک کارتن بزرگ.
- ۱۵- کتابخانه مفصل سنگر که تمامی آن کتب بدون استثناء بوسیله ایرانیان به سنگر اهداء شده که از مآخذ معتبر تحقیقات سنگر است که به کتابخانه تورنتو اهداء خواهد شد.
- ۱۷- یک پرونده قطور از بریده مقالات روزنامه های خارجی که مطالب قابل استفاده ای درباره ایران امروز و ایران دیروز نوشته اند.

### چگونگی تحویل و تحول

- ۱- کلیه اسناد و مدارک و پرونده های آرشیو سنگر بصورت تفکیک بوسیله سنگر در کارتن ها جاداده خواهد شد تصور میشود که برای این کار به حدود ۷۰ تا ۸۰ کارتن نیاز باشد که سنگر تقبل آنرا مینماید.
- ۲- هزینه انتقال کارتن ها از دفتر سنگر بعهده تحویل گیرنده خواهد بود که از سوی اعلیحضرت کتبا معرفی میشوند.

استدعای از اعلیحضرت

بنابر مراتب بالا از اعلیحضرت استدعا دارد، نسبت به اسناد آرشیو سنگر قبول موضع فرموده و اجازه فرمایند بامعرفی نماینده ای صورت مجلس تحویل آرشیو سنگر امضا شود از اعلیحضرت اجازه میخواید چنانچه تا پایان بهمن ماه سال جاری سنگر را از موافقت و انتخاب نماینده ای جهت تحویل آرشیو سنگر مطلع ننمایند، سنگر به رسم معمول به ریسایکل خواهد رفت

با احترام و تقدیم مراتب ارادت - سنگر

### پاسخ درخواست از اعلیحضرت

ناگفته پیداست، آرشیو سنگر تدریجا به ریسایکل recycle رفت.

گزارش فعالیت سنگر در اینجا وبتاریخ ۲۵ اسفندماه سال ۱۳۹۰ پایان می یابد

تا عمرچه خواهد، که نویسد قلم من

با احترام امیر فیض